

نوشتن مقاله برای یک ژورنال حسابداری مرجع

چکیده

هدف - این مقاله تمرکز بر عرصه‌هایی را هدف قرار می‌دهد که می‌توانند به صورت بالقوه شانس موفقیت نوشته، مانند پذیرش در یک نشریه، را بهبود بخشند. به ویژه، در زمان انتخاب موضوع، و همچنین جنبه‌هایی که می‌توانند نوشته را در فاز نوشتن بهبود بخشند، شامل سبک نثرها و استنادات است.

طراحی/متدولوژی/رویکرد - توصیه‌هایی هستند که بر اساس بررسی ادبیات و تجربه ما هستند. برای تشریح استفاده عملی از این مسائل که نیاز است به آن‌ها پرداخته شود، مثال‌هایی از مقالات پژوهشی منتشر شده در طول سال 2010 در ژورنال‌های حسابداری، سازمان و جامعه (AOS) و حسابداری، حسابرسی و مسئولیت پذیری (AAAJ) ارائه شده است.

یافته‌ها - دلایل متداولی برای رد یک مقاله وجود دارند که اجتناب ناپذیر هستند، اما یکی از مهم‌ترین مسائل تضمینی این است که سوال پژوهشی جدید باشد و به تازگی در مقدمه نوشته‌ها آورده شده باشد. منحنی تازگی-دقت (NR Curve) معرفی شده است و روابط بین نوآوری و دقت به احتمال پذیرش نوشته مربوط است، که توضیح داده شد. ارزیابی نثر در مقالات منتشر شده استفاده می‌شود که نشان می‌دهد که هیچ قانون تنظیم شده‌ای وجود ندارد.

پیامدها/محدودیت‌های پژوهشی - این مقاله دستورالعمل‌های تضمینی موفقیت را نشان نمیدهد، جز برای ملاحظات دقیق و انگیزش‌هایی از تازگی و دقت پژوهش انجام شده مهم هستند. نویسندگان پژوهش‌هایی را برای بررسی کنندگان جنبه‌های رفتاری به عنوان درآمد ممکن برای پژوهش آینده بیان کردند.

منشا/ارزش - منحنی تازگی-دقت نیاز به روابط بین، این دو صفت پژوهش معرفی شده را نشان می‌دهد و توضیح می‌دهد. این مقاله جدید است چرا که نثر مقالات پژوهشی منتشر شده در AOS و AAAJ به صورت نقادانه ای در تلاش برای ارزیابی محققین حرفه ای برای شکست به مجلات حسابداری و موارد دانشگاهی ایجاد شده برای افزایش شانس موفقیت تلاش می‌کند. به همین ترتیب، مقاله برای اساتید حسابداری ارزش عملی دارد و ممکن است بحث را در میان بازرسان، اعضای هیئت ویراستاران تحریک کنند، و در نتیجه در توسعه زمینه انتشارات دانشگاهی، نقشی بازی کنند.

کلمات کلیدی: نشریه دانشگاهی، تازگی، چارچوب مقالات دانشگاهی، دقت، سبک نوشتن

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

مقدمه

دانشگاهیان به شدت برای تولید خروجی پژوهشی، با یک تمرکز خاص بر مقالات ژورنالی مرجع تمرکز می‌کنند. دانشگاهیان، سازمان‌های بودجه بندی دولتی و دیگر موارد به شدت از رتبه بندی‌های با کیفیت ژورنالی برای ارزیابی بخش‌های دانشگاهی، واحدهای پژوهشی و افراد استفاده کردند. در این روش، افراد با فاکتورهای علمی گوناگون می‌توانند توسط مدیران مقایسه شوند و رتبه بندی شوند. این نوع مقایسه از سوی دانشگاهیان غیر منصفانه دیده شد و می‌تواند بر تجربه کاری دانشگاهیان تاثیر منفی بگذارد. دیگر دانشگاهیان به سادگی این روندها را به عنوان قوانین بازی دیدند و چالش‌ها و فرصت‌های ارائه شده را پذیرفتند. رتبه بندی‌های ژورنالی برای همه شناخته شده است و به صورت گسترده برای سنجش عملکرد پژوهش آکادمیک استفاده می‌شوند، خواه به صورت صریح تایید شوند یا به صورت ضمنی و غیررسمی استفاده شود. رتبه بندی‌ها به دانشگاهیان اجازه می‌دهد که ژورنال‌هایی را هدف قرار دهند که می‌دانند برای آن‌ها مفید است. در این مقاله، نمی‌خواهیم که به بحث حول معیارهای این سیستم رتبه بندی‌های

در حال تکامل، رتبه بندی‌ها و پاداش‌ها پردازیم. ما این پیش زمینه را به عنوان انگیزه ای برای دانشگاهیان برای تولید خروجی پژوهشی بیشتر در ژورنال‌هایی با رتبه بالا می‌پذیریم. هدف، در نظر گرفتن جنبه‌هایی از این محیط است که می‌تواند کیفیت خروجی پژوهشی را بهتر کند و افزایش دهد.

ما بحث و توصیه‌هایی را بر اساس ادبیات موضوعی قبلی ارائه می‌دهیم؛ تجربه ما به عنوان نویسنده، بازرسان و ویراستار، و همچنین در یک تحلیل از مقالات منتشر شده در دو ژورنال حسابداری پیشرو مورد بحث قرار می‌گیرند. ما این عناصر طراحی پژوهشی را در یک بحث تئوری واحد ترکیب می‌کنیم. ما مقالات منتشر شده در طول سال 2010 را در دو ژورنال حسابداری عمومی پیشرو، نشریه حسابداری، سازمان‌ها و جامعه (AOS) و نشریه حسابداری، حسابرسی و مسئولیت پذیری (AAAJ) منتشر می‌کنیم. توجه کنید که ما به نوشته‌ها رد شده دسترسی نداریم، و بنابراین قادر به مقایسه مقالات منتشر شده و نوشته‌های رد شده نیستیم. کار مقاله ما جدید است چرا که بر صفات مقالات مرجع در مورد آگاهی بخشی برای بهبود شانس موفق بودن در فرآیندهای بررسی و انتشار بحث می‌کند. در این مقاله، به صورت خاصی با سه مسئله مهم شناخته شده توسط Clarkson (2012) سر و کار داریم، یعنی انتخاب موضوع برای تضمین تازگی، انتخاب متد برای تضمین دقت، و ارائه عمومی نوشته در طول فاز نوشتن. این مقالات منحنی تازگی-دقت (یا منحنی NR) را به صورت گرافیکی برای نمایش و توضیح روابط بین این صفات معرفی می‌کند.

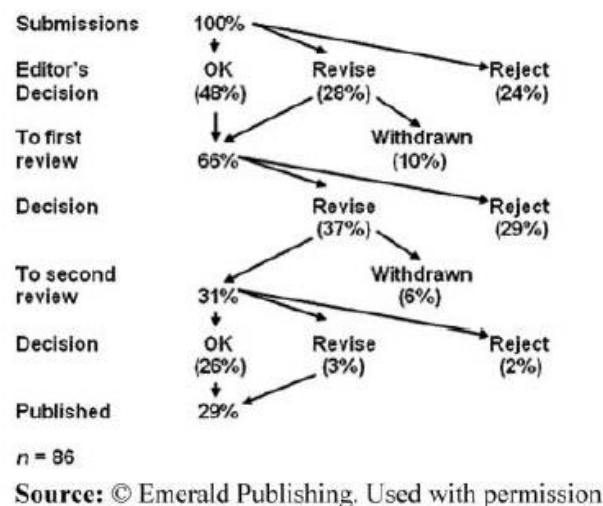
سهم دوم چارچوب ما صفات اصلی و منفرد مقالات حسابداری آکادمیک را نشان می‌دهد. سهم سوم بحث بر چگونگی سر و کار داشتن با برخی از ویژگی‌های متضاد مقاله‌های تحقیقاتی است، که بینش‌ها و انتقادهایی را ارائه می‌دهد، و در عین حال مثال‌های خاصی را از تحلیل ما ارائه می‌دهد. در میان سایر جنبه‌ها، ما به صورت خاصی به سبک نوشتن، نشر و ارجاع می‌پردازیم. این کار برای اساتید دانشگاهی که به دنبال بهبود حاصل نوشتن مقالات دانشگاهیان هستند ارزش عملی دارد. ما همچنین، در طول این مقاله، در بحث بین بازرسان، ویراستاران، اعضای هیئت سهم داریم، و در نتیجه نقشی را در توسعه زمینه نشریه‌های حسابداری آکادمیک بازی می‌کنیم.

مقالات با نشان دادن برخی از دلایل مشترک برای رد و روش‌هایی برای اجتناب از آن‌ها آغاز می‌شود. ما به دنبال بحثی حول انتخاب سوالات و متدهای پژوهشی هستیم. ما سپس چارچوب پژوهشی و چارچوب مقاله آکادمیک را ارائه

می‌دهیم، و بحث‌هایی را بر صفات مختص مقالات پژوهشی دنبال می‌کنیم. سرانجام، با ارائه بینش‌هایی در مورد روش‌هایی که نویسندگان ممکن است برای ارتقای شانس موفقیت نشریه بپذیرند، نتیجه‌گیری می‌کنیم.

اجتناب از پذیرفته نشدن

در این بخش، ما بر برخی دلایل مشترک برای پذیرفته نشدن توسط ویراستاران و بازرسان و بر چگونگی اجتناب از آن بحث می‌کنیم. 50 درصد نوشته‌های ارسال شده به دلیل نقص‌های آشکار از همان سر اولین میز رد می‌شوند. شکل 1 مثالی از جریان کاری یک مجله برای یک سال با 86 ارسال برای چهار جلد با 24 مقاله منتشر شده در تقویم را نشان می‌دهد.



شکل 1: روند بررسی ژورنال نمونه

دلایلی برای مردود شدن نوشته‌ها توسط سردبیر:

- موضوع نوشته خارج از دامنه ژورنال است.
- نوشته تنها پیشرفت جزئی را در موضوع تحت بررسی نشان می‌دهد.
- متدلوژی پژوهشی نامناسب است.
- طول نوشته

• استفاده ضعیف از زبان انگلیسی.

• سبک و محتوای مرجع نادرست است؛ و / یا

• سبک نوشتن و ارائه، کیفیت ضعیفی دارد.

از دلیل اول به سادگی با هدف قرار دادن ژورنال مناسب اجتناب می‌شود. یک بحث با یک همکار با تجربه یا یک بحث با سردبیر ژورنال موضوع را شفاف سازی میکند. دو دلیل بعدی برای رد (متد و پیشرفت جزئی) در مورد فقدان تازگی/دقت صحبت می‌کند، و می‌تواند با ملاحظات دقیقی بر سوالات و متدها در خارج از نشر، و تشریح دقیق این جنبه‌ها در روش متقاعد کننده در مقدمه نوشته تشریح شود. دلایلی برای مردود شدن؛ مانند طول، ارجاع، و سبک، بر این حقیقت تاکید دارند که نویسندگان باید از راهنمای سبک ژورنالی به صورت دقیق تبعیت کنند.

ژورنال‌ها دارای راهنماهای خاصی در مورد مسائلی مانند دامنه ژورنال و سبک مقالات مورد انتظار هستند. برای مثال، یک گزیده از اهداف و دامنه مجله حسابداری، سازمان‌ها و جامعه (AOS) در وب سایت آن‌ها مطلب زیر را بیان می‌کند:

"حسابداری، سازمان‌ها و جامعه " یک ژورنال بین المللی اصلی است که به همه جنبه‌های روابط بین رفتار انسانی و حسابداری، ساختارها سازمانی و فرآیندها، و محیط سیاسی و اجتماعی در حال تغییر شرکت‌ها مربوط است. بنابراین، AOS برای دریافت مقالات در طیف وسیعی از موضوعات حسابداری مربوط به تعامل حسابداری با جامعه قابل پذیرش است. ما AOS را به عنوان ژورنال حسابداری عمومی دسته بندی می‌کنیم. از طرفی دیگر، ژورنال‌های تخصصی با عرصه موضوعی خاصی در حسابداری سر و کار دارند، مانند ژورنال سرمایه فکری (JIC) که در وب سایت اینگونه نوشته است:

ژورنال سرمایه فکری یک نشریه بین المللی تخصصی است که به تبادل تازه ترین پژوهش‌ها و بهترین اطلاعات روش‌ها در همه جنبه‌های ایجاد، شناسایی، مدیریت و سنجش سرمایه فکری در سازمان‌ها تخصیص داده می‌شود.

مقالات ارسالی باید به راهنماهای سبک منتشر شده در وب سایت‌های ژورنال یا ریسک‌هایی که سردبیران را آزار می‌دهد قبل از اینکه شانس خواندن نوشته را داشته باشند پایبند باشند. به عنوان یک مثال، ژورنال دیدگاه انتقادی بر

حسابداری (CPA) نه تنها یک صفحه وب گسترده را برای نویسندگان آینده منتشر کرده است، بلکه یک نشریه PDF هم به نام Author Information Pack دارد که به عنوان منبع موجود است و با یک لینک از برخی از صفحات قابل دسترسی است.

به ویژه، راهنماهای CPA شامل مشخصاتی برای ساختار مقاله هستند، که یک رسید استاندارد برای مقالات قابل انتشار ارائه می‌دهند. AOS دارای راهنمای مشابهی است، و توصیه‌هایی را در مورد چیزهای دیگر مانند "چکیده"، "پاورقی"، و "ارجاع" ارائه می‌دهد.

زمانی که یک نوشته بررسی مجدد^۱ را از سر می‌گذارند، سختی بعدی بررسی دقیق^۲ است. این بازرسان در نهایت می‌گویند که مقاله قابل چاپ هست یا نه. به ندرت یک ویراستار توصیه‌های بازرسان را نادیده می‌گیرد. شکایت بازرسان از نوشته‌ها مشابه با شکایت ویراستاران از نوشته است و روند ناقص است، لذا زمانی که ویراستاران یک نوشته را برای بررسی ارسال می‌کنند باید مردود شود. با افزایش ارسال مقاله‌ها، اینکه ویراستاران زمانی را صرف بررسی مجدد کنند را سخت می‌سازد. در یک مطالعه، بر اساس ارسال مقالات آموزش حسابداری، Stout و همکاران (2006) به وضوح نشان دادند که چرا مقاله‌ها توسط بازرسان رد می‌شوند:

دلایل برای رد معمولاً در ابتدای عمر پروژه مشخص می‌شود. دلایل اولیه برای رد مطالعه با انگیزه ضعیف؛ یک مطالعه با طراحی ضعیف؛ و یا بینش‌هایی است که در ادبیات آموزش حسابداری سهم دارد. نوشته ضعیف یک دلیل ثانویه متداول برای رد نوشته‌های پژوهشی آموزش حسابداری است. متداول ترین دلیلی که یک نوشته بعد از ارسال مجدد رد می‌شود شکست نویسنده در بررسی کامل نگرانی‌های بیان شده توسط بازرسان و ویراستاران در طول دوره بررسی قبلی است.

به هر حال، اجتناب از دلایلی که منجر به رد می‌شوند ضروری است، اما پذیرش با توجه به آن چه که reklitōN (2003) به عنوان اشتباه منطقی توضیح داده است کافی نیست:

¹ desk review

² peer review

[...] اگر چه می‌دانیم که، اگر هوا بارانی باشد، سپس خیابان خیس است، اما نمی‌توانیم اینطور نتیجه بگیریم که اگر خیابان‌ها خیس است، هوا بارانی است.

بنابراین، جنبه‌هایی از موارد منتشر شده را در نظر می‌گیریم، که انگیزه ای برای مطالعه ما است: برای بررسی مشخصه‌های مقاله‌های منتشر شده برای افزودن درک بیشتر در مورد آنچه که در مقاله آمده شده است شانس خوبی برای چاپ وجود دارد. برای مثال، همانطور که در بالا گفتیم و در ادامه شرح دادیم، انتخاب متد و سوال پژوهشی یک ملاحظه مهم قبل از آغاز پژوهش است که مبنای یک مقاله را شکل می‌دهد. ما از برنامه ریزی پژوهش برای تضمین اینکه سوال پژوهشی جدید با متدهای پژوهشی دقیق بررسی می‌شود، چرا که شانس انتشار مقاله را بهبود می‌بخشد، حمایت می‌کنیم.

تازگی در سوالات پژوهشی و متدهای دقیق

انتخاب سوال پژوهشی به شدت به دلیل اینکه نیازمند بررسی یک موضوع است که ویراستاران و بازرسان به آن علاقه دارند و برای خوانندگان ژورنال جالب است، مهم است. ما به تازگی کیفیت مقاله ای را تعیین می‌کنیم که در آن چیزهای جدیدی که ایجاد می‌شوند، اصلی و متفاوت هستند. در مورد یک ژورنال پژوهشی حسابداری عمومی، این معمولاً به معنی تاکید بر انتخاب حسابداری، تاثیر آن بر جامعه، و چالش کشیدن وضع موجود است. حسابداران، مدیران و تنظیم کنندگان انتخاب‌های حسابدار را بر یک مبنای منظم تمرین می‌کند، که گاهی انتخاب می‌کنند که از مقررات تبعیت نکنند. تاثیر اجتماعی انتخاب حسابداری گسترده است و بر سرمایه گذاران، وام دهندگان، کارگران، مشتریان، جوامع محلی، طبیعت و جامعه به عنوان یک کل تاثیر دارد. با همچین پارامترهای گسترده ای، بسیاری از موضوعات مرتبط دیده می‌شوند. به هر حال، بسیاری از مسائل تاکنون بررسی شده اند؛ بنابراین، سوال پژوهشی نیازمند فرمی از تازگی است.

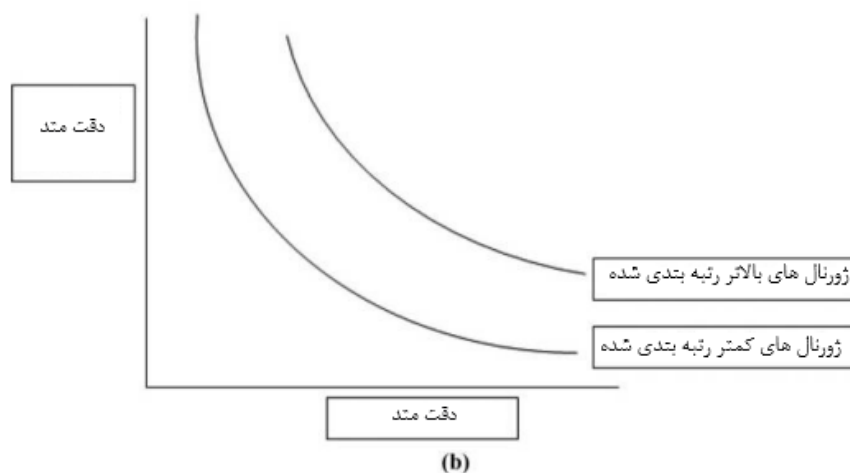
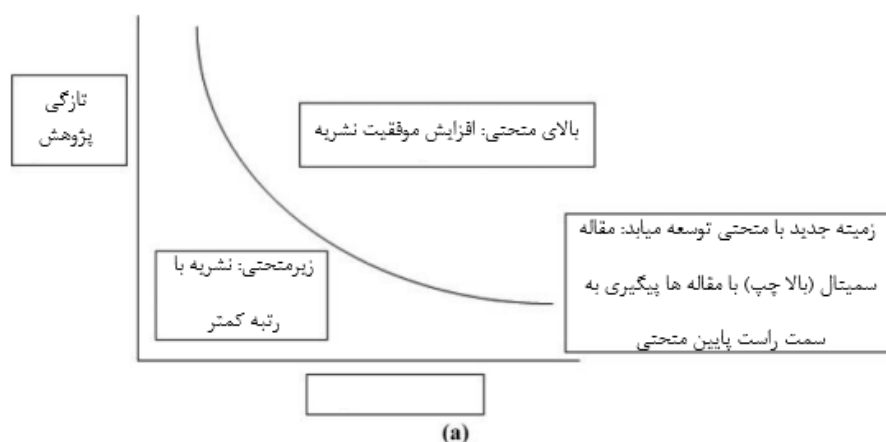
زمانی که یک سوال جالب، جدید یا زمینه شناسایی می‌شود، نیاز است که به صورت دقیقی تضمین اینکه یک مبنای علمی قوی برای نتایج حاصل شده وجود داشته باشد بررسی شود. ما دقت را به عنوان روش پژوهشی برای تحقیق

علمی تعریف می‌کنیم. بنابراین، تازگی و دقت با هم در ارتباط هستند. برای مثال، پژوهش بر یک ایده جدید می‌تواند گاه اوقات با یک استاندارد سست تر از دقت در متدها و معیارها همراه باشد. یک شبیه سازی سودمند ممکن است، اگر شما یک خوک سخنگو را پیدا کنید، به اندازه کافی برای تایید انتشار یافته‌های پژوهشی اولیه در مورد این پدیده در یک ژورنال به شدت رتبه بندی شده جدید و غیرمنتظره است. یک مقاله اولیه ممکن است به سادگی تشریح کند که چگونه یک خوک صحبت می‌کند. با شناخت بیشتر در مورد پدیده خوک سخنگو، مقاله‌های بعدی نیاز دارند که عمق بیشتری را توسعه دهند و بر نوع استدلال‌های حاصل شده، با استفاده از معیارها و متدهای دقیق فزاینده برای افزایش درک خواننده بر پدیده و علت و معلول آن تمرکز کنند. این همبستگی بین تازگی و دقت در شکل 2 نشان داده شد.

منطقه بالای منحنی در شکل 2 پروژه‌های پژوهشی را با یک احتمال بیشتر موفقیت نشریه نشان می‌دهند. یک دستور کار پژوهشی جدید اغلب زمانی توسعه می‌یابد که یک مقاله هسته ای منتشر شود که می‌تواند در بالای سمت چپ منحنی نشان داده شود. این معمولاً با جریانی از پروژه‌های پیگیری کننده دنبال می‌شود که متدها و معیارهای استفاده شده در اولین مقاله را اصلاح می‌کند. هریک از این پروژه‌ها تمایل دارند که تازگی کمتری را نشان دهند و دستور کار پژوهشی در طول منحنی به طرف سمت راست پایین پیشرفت می‌کند. یک محقق ممکن است پشت پروژه‌هایی قرار گیرد که همزمان با یکدیگر آغاز شده اند، و بنابراین، پروژه‌های دسته بندی شده ای در زیر منحنی یافت می‌شوند. زمانی که یک دستور کار پژوهشی به سمت راست پایین انتهای منحنی میرسد، به شدت انتشار آن در زمانی که ویراستاران و بازرسان استدلال می‌کنند که در حال حاضر نتیجه پژوهشی را قبل از خواندن نوشته می‌دانند، سخت است. آن‌ها نیازمند محیط دیگر یا معیار کمی بهتر برای بهبود درک روابط علت و معلول در کار، نیستند. تحت این شرایط، ممکن است انتشار پژوهش در یک ژورنال با رتبه کمتر، که در آن نیازمندی‌های جدید و تازه، معمولاً کمی کمتر از آن چیزی است که در جدول 2، پنل B نشان داده شده است ممکن باشد.

به عنوان یک کلمه نهایی، بازرسان اطلاعات مناسب یا بینش کامل در مورد منحنی که در اینجا آورده شده است ندارند. بنابراین، مقاله‌هایی که یا بالای منحنی یا پایین منحنی دسته بندی شده اند گاهی منتشر می‌شوند یا گاهی رد می‌شوند. بنابراین، شانس انتشار می‌تواند با تشریح تازگی و سختی در "مقدمه" و / یا "نتیجه گیری" افزایش یابد.

حال با توجه به تحلیل ما بر مقالات AOS و AAAJ منتشر شده، سوال پژوهشی ما این است که: "چگونه صفات مقالات منتشر شده در نمونه ما استفاده می‌شود؟" و "چگونه این صفات به رویکرد ما برای نوشتن مقاله‌هایی برای یک مجله حسابداری مرجع ارائه می‌شوند". شواهدی که برای پاسخ به این سوال ارائه می‌دهیم بر اساس یک ترکیب منتخب از تحلیل مقالات منتشر شده در AOS و AAAJ در سال 2010 و تجربه شخصی ما به عنوان نویسنده، بازرس و ویراستار طیف‌های گوناگون ژورنال‌های حسابداری آکادمیک است. چارچوب تحلیل مقاله که برای پاسخ به این سوالات استفاده می‌شود در ادامه تشریح شده است.



چارچوب و متد پژوهشی

مقاله ما بر تحلیل مقاله‌ها در دو ژورنال حسابداری سطح بالا AAAJ و AOS تمرکز می‌کند - هر دو به عنوان ژورنال‌های حسابداری جهانی رتبه بندی شده اند. به صورت فزاینده ای، دانشگاهیان کیفیت ارزیابی‌های پژوهشی را مد نظر قرار می‌دهند. برای مثال، استرالیا از راهنمای رتبه بندی ژورنال "برتری در ارزیابی پژوهشی" (ERA) تا سال 2011 استفاده کرد. حال، برخی از رشته‌ها از شاخص استناد SCOPUS استفاده می‌کنند، اما اساتید دانشگاهی احتمال دارد که بر لیست‌های رتبه بندی مجلات ارائه شده توسط شورای کسب و کار استرالیا (ABDC) تکیه کنند. اساتید حسابداری ممکن است هر جای دیگری از دیگر سیستم‌های رتبه بندی استفاده کنند، اما AOS و AAAJ به شدت ژورنال‌های حسابداری جهانی، را صرف نظر از متدهای استفاده شده برای رتبه بندی آن‌ها همانطور که در جدول 1 نشان داده شده است در نظر می‌گیرند. بنابراین، بسیاری از اساتید حسابداری خواهان چاپ مقاله خود در این دو ژورنال هستند.

برای اجرای تحلیل ما، ما همه مقاله‌های منتشر شده در سال 2010 در AOS و AAAJ را انتخاب می‌کنیم چرا که این تازه ترین مجموعه مقاله‌های در دسترس عموم را که در شروع مطالعه ما به چاپ رسیدند را ارائه می‌دهد. در زمانی بررسی مقاله‌ها ما دقت می‌کنیم که مقاله‌های غیر پژوهشی را مد نظر قرار ندهیم. برای مثال، چندین مقاله AAAJ به دلیل اینکه مقاله ادبی، ویراستاری، یا خلاصه بودند از تحلیل حذف کردیم. بنابراین، این مقاله‌ها در دامنه تحلیل نبودند. نمونه نهایی شامل 43 مقاله پژوهشی AOS و 39 AAAJ است. بیشتر این مقاله‌ها می‌توانند در ماهیت خود به عنوان مورد کیفی دسته بندی شوند، اگر چه تعدادی از مقاله‌های کمی نیز منتشر شده اند، که 19 تای آن‌ها در AOS و سه مورد آن‌ها در AAJ است.

تحلیل ما بر مشخصه مقاله‌های منتخب تمرکز می‌کند. در نتیجه، چارچوب پژوهشی در چند مرحله تکراری توسعه یافته است و ما یک نگاه سطحی به مقاله‌ها می‌کنیم و سپس مشخصه‌های عمیق تر آن را توسعه می‌دهیم. در نتیجه، چارچوب تحلیلی را برای تحلیل مقاله‌های نشان داده شده در جدول 2 توسعه می‌دهیم.

چهار صفت اولیه که مستقیماً از اطلاعات ارائه شده توسط مقاله‌های منتشر شده در ژورنال‌ها تعیین می‌شوند؛ "ژورنال"، "شماره صفحه"، "نویسنده"، و "نام مقاله" هستند. عرصه تحلیل بعدی ساختار مقاله است. در اینجا مقاله را بر اساس اهداف آن به بخش‌های متفاوت تقسیم می‌کنیم؛ اما این یک وظیفه سخت است چرا که بسیاری از بخش‌ها دارای مرزهای همپوشان است. برای مثال، برخی از مقاله‌ها بخشی دارند که آن را "بحث و نتیجه‌گیری" یا "نتیجه‌گیری و بحث" یا "نتایج و بحث" گویند. نویسندگانی که بخش‌های متفاوت را با یکدیگر ترکیب کرده اند دسته بندی را سخت کرده اند، و بنابراین نیاز داریم که هر بخش را بررسی کنیم و تصمیم بگیریم که چگونه آن را دسته بندی کنیم. در نتیجه، ما با گروه‌های متفاوت نشان داده شده در جدول 2 همراه می‌شویم. برای هر یک از این گروه‌ها، ما نام، موضع (ترتیب)، و شمارش کلمه را به استثنای مراجع ثبت می‌کنیم. در AAJ، ما یک گروه "نت" خاص را برای endnotes شناسایی کردیم در حالی که، AOS پاورقی‌هایی را در زیر هر صفحه قرار می‌دهند، و ما مجموعه کلمه‌های آورده شده در پاورقی مقاله AOS را نیز می‌شماریم.

ما به صفات بررسی شده بعدی به عنوان صفات سبک اشاره می‌کنیم. این صفات را جمع آوری می‌کنیم چرا که کنجکاوی ما در مورد ویژگی‌های سبک نوشتن در مقالات منتشر شده مشهود است. ابتدا، استفاده از چشم انداز اول شخص و سوم شخص را بررسی می‌کنیم. مسئله چشم انداز از این رو جالب است که بسیاری از ما فکر می‌کنیم که نوشته دانشگاهی غیرشخصی و علمی است و بنابراین ما باید بین خود و خواننده "فاصله" ایجاد کنیم. Brick (2005) همچنین بر این عقیده هستند که نوشته‌های دانشگاهی باید "هدفمند ... غیرشخصی" باشند و از ضمیر "من" (یا مشتقات آن مانند "ما") کمتر استفاده کنند. به هر حال، زمانی که نیاز به اعتبار وجود دارد، منطق شخصی با اثر خوبی استفاده می‌شود، برای مثال، "در این مقاله من (...) را تشریح می‌کنم". به هر حال، برخی از ویراستاران ژورنال، سیاست متمایزی در تضمین مقالات نوشته شده در زبان سوم شخص دارند. در این مورد، مقاله‌هایی که تاکنون توسط بازرسان و ویراستاران تایید شده قبل از پذیرش مقاله تنها نیازمند تغییرات کوچکی بوده‌اند.

جدول 1: رتبه بندی‌های متمایز ژورنال‌های حسابداری

Source title	Scopus SNIP 2010	Scopus SJR 2010	Rank (SJR 2010)	Rank (SNIP 2010)	Rank <i>g</i> Index	ABS (2010)	ERA (2010)	Moosa (2011) <i>h</i> index
<i>Abacus</i>	0.08	0.071	22	19	20	3	A	23
<i>Accounting and Business Research</i>	0.16	0.071	19	10	13	3	A	15
<i>Accounting and Finance</i>	0.04	0.071	23	23	24		B	27
<i>Accounting Forum</i>	0.15	0.084	9	12		2	B	36
<i>Accounting Horizons</i>	0.12	0.071	20	17	7	3	A	13
<i>Accounting Review</i>	0.45	0.117	3	4	3	4	A*	3
<i>Accounting, Auditing & Accountability Journal</i>	0.29	0.09	5	6	10	3	A*	8
<i>Accounting, Organizations and Society</i>	0.45	0.09	6	2	4	4	A*	4
<i>Auditing</i>	0.16	0.072	17	9	12	2	A	26
<i>British Accounting Review</i>	0.133	0.08	13	14	18	3	A	18
<i>Contemporary Accounting Research</i>	0.23	0.071	18	8	5	3	A*	7
<i>Critical Perspectives on Accounting</i>	0.08	0.082	11	20	16	3	A	17
<i>European Accounting Review</i>	0.1	0.071	21	18	18	3	A	10
<i>International Journal of Accounting</i>	0.14	0.077	15	13	21	3	B	16
<i>International Journal of Accounting Information Systems</i>	0.35	0.09	7	5		1	B	29
<i>International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation</i>	0.04	0.071	24	24		1	B	
<i>Journal of Accounting and Economics</i>	0.79	0.144	1	1	1	4	A*	2
<i>Journal of Accounting and Public Policy</i>	0.12	0.08	14	16	14		A	12
<i>Journal of Accounting Research</i>	0.49	0.121	2	3	2	4	A*	1
<i>Journal of Accounting, Auditing and Finance</i>	0.06	0.081	12	22	16	3	A	20
<i>Journal of Business Finance and Accounting</i>	0.15	0.088	8	11	9		A	5
<i>Management Accounting Research</i>	0.12	0.084	10	15	8	3	A	14
<i>Managerial Auditing Journal</i>	0.07	0.077	16	21	29	1	B	31
<i>Review of Accounting Studies</i>	0.27	0.099	4	7		4	A	9

جدول 2: چارچوب تحلیلی ما

تشریح و/ یا گزینه ها	صفت
AOS یا AAAJ	ژورنال
تعداد صفحات واقعی مقاله در ژورنال	تعداد صفحات
نام و تعداد نویسندگان	نویسنده ها
عنوان منتشر شده	نام مقاله
برای هر بخش، صفات زیر جمع آوری میشود. تعداد کلمات، موقعیت در مقاله و نام واقعی بخش	بخش ها
	چکیده
	مقدمه
	بررسی/فرضیه
	زمینه
	نظریه
	متد
	نتایج

تحلیل	
بحث	
نتیجه گیری کلی	
یادداشت ها	
ضمیمه	
مجموعه تعداد کلمات (TWC)	به غیر از مراجع انتهای مقاله
چشم انداز	اول شخص یا سوم شخص
پاراگراف نقشه راه	بله/خیر
رژیم نویسند	استفاده از وب سایت رژیم نویسند برای ارزیابی کیفیت مطالب نوشته شده بر اساس بخش مقدمه مقاله
فعل ها	
اسم انتزاعی	مقاله ها با حمله قلبی (4) Flabby (3)، نیازهای تونینگ و Fit and trim (1) و Lean (0) ارزیابی می شوند.
حروف اضافه	
صفات و قید	
It, this, that, there	
مجموع رژیم نویسند	
مراجع	

به هر حال، ایمیل نهایی از ویراستار به نویسند بیان می کند که:

مقاله های منتشر شد در (نام ژورنال) رسمی، شخص ثالث هستند. اما در مقاله تجدید نظر شده، شما از کلمه "ما" چند بار استفاده کردید. لطفا هر اشاره به ما، یا نویسندها را تغییر دهید. زمانی که این کار انجام شود، مقاله آماده چاپ است.

لذا، بر خلاف خواسته نویسند، مقاله بر طبق خواسته ویراستار تغییر می کند، اگر چه ممکن است بازرسان هیچ مسئله مشابهی را ذکر نکرده باشند.

مسائل این سبکی از طریق ماهیت انتزاعی نوشته های آکادمیک حاصل می شود. بیشتر نویسندگان آکادمیک برای استفاده از اسم انتزاعی مانند "سازمان" به جای استفاده از ضمائر منسجم مانند "کمپانی" آموزش دیده اند چرا که

مربیان ما از نوشته‌های دانشگاهی که باید "تحلیلی باشند ... اما انتزاعی و متمرکز هستند" به جای یک مورد تعاملی حمایت کردند. بنابراین، در مورد نوشته‌هایی از خوانندگان خود یک شکایت مرسوم داریم: اینکه خسته کننده و انتزاعی است، همانطور که Sword (2009) بیان می‌کند:

همکاران دانشجوی من تشنه یادگیری هستند، اما آن‌ها یک تلورانس نسبتاً پایین را برای انواع موارد غیرشخصی و غیرقابل انعطاف نشان می‌دهند که به گفتمان غالب علوم اجتماعی تبدیل می‌شود. آن‌ها داستان‌ها، مثال‌ها، ایده‌ها، راه حل‌هایی را می‌خواهند - نه پرانترهای مرجع طولانی و فلوچارت‌ها را.

یافتن یک معیار ساختاری از نوشته‌های آکادمیک برای مقایسه هدفمند مقاله‌ها مشکل‌زا است. تلاش ما با استفاده از وب سایت "رژیم نویسندگی" Sword (2007) حل شده است که در آن "WritersDiet Test" را توسعه دادیم، که "تناسب" نسبی نوشته‌های آکادمیک را بر اساس پنج گروه "که با جملاتی به یکدیگر مربوط هستند" تعیین می‌کند. Sword این تست را برای ارائه معیارهای مربوط به محتوای نثرهای علمی به عنوان یک ابزار تشخیصی به جای تجویزی توسعه می‌دهد. Sword با تحلیل نوشته‌های آکادمیک از پنج گروه "افعال ضعیف، اسامی انتزاعی، گزاره‌ها، صفت‌ها/قیده‌ها، و حروف اضافه (این، در، تا)" حمایت می‌کند، که بک "رتبه بندی برازشی" را می‌تواند تعیین کند. برای تعیین یک نتیجه عددی ما از یک امتیاز برای هر "رتبه بندی برازش" Sword از Lean (0)، Fit and trim (1)، Needs toning (2)، Flabby (3) و قلمرو حمله قلبی (4) حمایت می‌کند.

ما از رتبه بندی برای تأکید بر ساختار حاضر نثرهای آکادمیک یافته شده در بخش مقدمه استفاده می‌کنیم و به جای اینکه به عنوان ابزاری برای نوشتن انتقادها از آن استفاده کنیم آن را تحلیل می‌کنیم. ما از بخش "مقدمه" استفاده می‌کنیم، چرا که این بخش متداول ترین بخش مقالات تحلیل شده است، و بخشی است که مقاله را برای خواننده تشریح می‌کند چرا که در آن نویسندگان ربط، اهمیت و تازگی سوالات پژوهشی و مناسب بودن متد استفاده شده را تشریح می‌کنند. این مسئله، مقدمه را به یکی از مهم ترین بخش‌ها در یک مقاله تبدیل می‌کند. بنابراین زمان کافی باید برای این بخش بسیار مهم صرف شود تا تضمین شود که مقاله بهترین توانایی‌های نویسنده را "نشان می‌دهد".

در آخر، مسئله ارجاع را بررسی کردیم چرا که تعداد و کیفیت استنادهای یک مقاله شهرت مقاله را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، شاخص استناد جدید مانند Google Scholar غالب تر می‌شود، مانند Scopus، در بسیاری از کشورها، از جمله استرالیا، برای ارزیابی کیفیت پژوهش آکادمیک استفاده می‌شود. در نتیجه، استدلال می‌کند که بسیاری از دانشمندان بسیار از استنادها استفاده می‌کنند، و به ژورنال‌هایی اشاره می‌کنند که اغلب اوقات به چاپ رسیده اند، و اینطوری بر ترس از رد شدن نوشته خود غلبه می‌کنند.

نتایج و بحث

اولین سهم اصلی تحلیل ما پاسخ به اولین سوال پژوهشی است، یعنی " چگونه صفات مقالات منتشر شده در نمونه ما استفاده می‌شود؟"، با توجه به توسعه تشریحی از صفات مقاله حسابداری آکادمیک، که در جدول 3 تشریح شده است. ما نیاز داریم تاکید کنیم که بخش‌های جدول 3 توضیح می‌دهند که چه چیزی به عنوان بخش‌های جنریک در زمان ترکیب در فرم یک مقاله کاملاً شناخته شده هستند. به هر حال، لازم نیست که در هر مقاله همه بخش‌ها آورده شوند. برای مثال، بسیاری از مقالات بخشی به نام "زمینه" ندارند چرا که نیازی به این بخش ندارند. بنابراین، چارچوب ما در جدول 3 راهنمایی به سمت این است که چه بخش‌هایی با چه ترتیبی باید در مقاله آورده شوند. به هر حال، همانطور که در بسیاری از مقاله‌ها دیدیم، استفاده از بخش‌های متفاوت به نویسنده و پیام ابلاغ شده مربوط است.

جدول 3: صفات اصلی و منفرد یک مقاله حسابداری آکادمیک

توضیح	بخش منفرد	بخش اصلی
ارائه یک بررسی بر مقاله در 100-300 کلمه که خلاصه ای از هدف مقاله ها، متدلوژی، یافته ها، نتیجه گیری و محدودیت ها را بیان می کند و معمولا در آخر نوشته می شود.	چکیده	مقدمه
یک بررسی دقیق تر از مقاله را در حدود 1000 کلمه ارائه میدهد که برای جلب خوانندگان بیشتر است. حداقل، توسعه سوال پژوهشی را خلاصه می کند و تازگی مقاله را نشان می دهد. در برخی از موارد، شامل خلاصه دقیق تری از یافته ها است و پاراگراف نقشه	مقدمه	

		راه ساختار باقی مقاله را نشان می‌دهد. معمولاً بعد از نتیجه گیری کلی نوشته می‌شود.
	و نقد بررسی/فرضیه	یک دیدگاه انتقادی (خوب و بد) از ادبیات معاصر مربوط به موضوع ارائه می‌دهد. در نتیجه شکاف‌ها در ادبیات موضوعی با توجیه درست سوالات و فرضیه‌های پژوهشی شناخته می‌شود. حدود 2000 کلمه معمولاً کافی است. و باید اولین بخش نوشته شده باشد لذا هدف مقاله را شفاف سازیمی‌کند.
	زمینه	گاهی اوقات زمینه جایی‌است که مطالعه نیاز دارد که تعریف شود، برای مثال جزییات و تاریخچه سازمان مطالعه موردی و حدود 1000 کلمه است.
متدلوژی	تئوری	اگر یک نظریه خاص به عنوان مبنای تحلیل استفاده شود برای خواننده مقاله ژورنال این بخش ناآشنا است که باید خلاصه‌ای از عناصر خاص استفاده شده را نشان دهد. این بخش باید نشان دهد که چگونه تئوری به پاسخ به سوالات پژوهشی و فرضیه‌ها پیوند خورده است. که حدود 1000 تا 2000 کلمه است.
	متد	مراحل درگیر در جمع‌آوری داده پژوهشی یا فرآیندهای استفاده شده برای تحلیل داده را تشریح می‌کند. باید توجیح کند که چرا متد برای جمع‌آوری داده برای پاسخ به سوال پژوهشی یا فرضیه مناسب است. حدود 1000 تا 2000 کلمه است.
انتها	نتایج	انتشار داده مستقیماً جمع‌آوری شده به سوال فرضیه پژوهشی مربوط است. حدود 3000 تا 5000 کلمه است.
	تحلیل و/یا بحث	نشان می‌دهد که چگونه نویسندگان نتیجه‌ر تفسیر می‌کنند، که معمولاً اهمیت، معنا، روابط برای یافتن مطالعات قبلی، و پیامدهایی برای شیوه‌ها یا سیاست‌های معاصر را نشان می‌دهد. طول آن 1000 تا 5000 کلمه است.
	نتیجه گیری	این بخش یک تفسیر نهایی را از اینکه چگونه سوال پژوهشی یا فرضیه پاسخ داده می‌شود و هر محدودیت پژوهشی نشان داده می‌شود ارائه می‌دهد. بسیاری از نویسندگان مفاهیمی را به پژوهش آینده اضافه می‌کنند. که حدود 500 تا 100 کلمه است.
شواهد حمایتی	یادداشت‌ها	پاورقی‌ها و یادداشت‌های نهایی را بسته به سبک پذیرفته شده ژورنال نشان می‌دهد. باید تنها برای اطلاعاتی استفاده شود که در

		زمینه سند آورده نشده اند. برای مثال، URL یک گزارش آنلاین یا وب سایت خاص که مورد علاقه کاربر است.
	ضمیمه ها	برای نمایش مقدار زیادی داده استفاده شده است که ممکن است در بخش هایی از سند استفاده شده باشد. برای مثال پرسشنامه های طولانی و اثبات ریاضی.
	تشکر و قدردانی	برخی از ژورنال ها نیازمند فرمی از تشکر و قدردانی از دیگر افرادی هستند که در مقاله سهم داشته اند. حدود 100 کلمه یا کمتر است.
مراجع	مراجع	لیستی از منابع استناد شده در مقاله. معمولاً دو لیست هستند که یکی منبع اولیه اطلاعات و دیگری منابع ثانویه است.

برای مثال، مقاله های AOS نوشته شده توسط Carmona و همکاران (2010)، Frow و همکاران (2010) و Kuasirikun و Constable (2010) ده بخش متمایز دارد. به طور مشابه، مقاله های AAAJ نوشته شده توسط Merino و همکاران (2010)، Lapsley and Giordano (2010)، و Samkin and Schneider (2010) هریک نه بخش دارند. با توجه به مقالاتی که بخش های بسیاری دارند، برخی از مقاله ها در AOS به نظر می رسند که بخش های مهمی مانند یک "نتیجه گیری" رسمی را از دست داده اند و همچنین بخشی ندارند، و به همین دلیل دانشجویان مورد سرزنش قرار می گیرند. در دفاع از این مقاله ها، بخش های نهایی آن ها شامل عناصر یک "نتیجه گیری"³ رسمی است. برای مثال، Cianci and Kaplan (2010) دو پاراگراف آخر را به خلاصه سازی یافته ها و پاراگراف آخر را به محدودیت های پژوهشی تخصیص داده اند. به هر حال، به طور معمول یک بخش اصلی یا بیشتر در هر مقاله ای در نظر گرفته نمی شود یا به وضوح مشخص نمی شود. همانطور که در ابتدا نشان دادیم، کانون اولیه این مقاله ارائه شواهدی از تحلیل و مشاهدات و تجربه شخصی است، که بیشتر بر چیزی بحث می کند که ما به عنوان عناصر کلیدی شناسایی کردیم که نویسندگان باید برای شانس بهتر در انتشار مقاله در یک ژورنال حسابداری رتبه بالا آن را اتخاذ کنند. این سپس دومین سوال پژوهشی ما را پاسخ میدهد، "چگونه این صفات به رویکرد ما در نوشتن مقاله هایی برای ژورنال حسابداری مرجع آگاهی می بخشد؟".

³ Conclusion

چکیده

اگر چه این اولین بخش مقاله است، توصیه ما بر اساس تجربه این است که چکیده باید آخرین بخشی باشد که نوشته می‌شود. دلیل این امر این است که چکیده نیاز دارد که حداقل خلاصه ای از هدف مقاله، نتایج و نتیجه گیری اصلی را نشان دهد. بنابراین، معمولاً نوشتن این بخش قبل از نوشتن نتیجه گیری کلی در پیش نویس اول مقاله غیر ممکن است. این رویکرد مینیمالیست برای نوشتن یک چکیده یکی از نیازمندی‌های AOS است، به هر حال، AAAJ نیازمند چیزی است که به عنوان چکیده ساختار یافته شناخته شده است که در زیر تشریح می‌شود:

- هدف (اجباری)

- رویکرد/متدولوژی/طراحی (اجباری)

- یافته‌ها (اجباری)

- محدودیت‌های پژوهشی/پیامدها (در صورت وجود)

- مفاهیم عملی (در صورت وجود)

- محدودیت‌های اجتماعی (در صورت وجود)

- ارزش/منشا (اجباری)

برتری چکیده‌های ساختاریافته در برابر رویکرد مینیمالیستی موضوع بحث بسیاری از دانشگاهیان است. مزایای چکیده‌های ساختار یافته ظاهراً به صورت زیر است:

چکیده ساختار یافته یک نوآوری مهم و سودمند است که به متخصصین و سیاست گذاران به صورت سیستماتیک کمک میکند که به مطالعات و یافته‌های پژوهشی دسترسی داشته باشند، ارزیابی کنند آن‌ها را و با آن‌ها در ارتباط باشند. چکیده ساختار یافته یک ابزار مقاوم تر برای انتشار تحقیقی از طریق مسیرهای سنتی و از طریق کانال‌های جدید ممکن شده توسط تکنولوژی‌های نوظهور ارائه می‌دهد.

بنابراین، نویسندگان باید از موارد مورد نیاز ناشر قبل از نوشتن یک چکیده آگاه باشند. اگر یک نویسنده در مورد نوشتن یک چکیده مطمئن نباشند، نوشتن یک یا دو جمله با بررسی نیازهای اجباری چکیده ساختار یافته را پیشنهاد می‌کنیم، که صرف نظر اینکه آیا مقاله به چکیده ساختار یافته نیاز دارد یا نه، جای خوبی برای شروع است.

نوشتن یک مقدمه

در تجربه ما، یک بخش مقدمه باید تشریح کند که چه کاری انجام شده است، چگونه انجام شده است و چرا یافته‌ها مورد توجه خوانندگان مجله قرار خواهند گرفت. سوال "چرا" نیاز دارد که از چند چشم انداز پاسخ داده شود، یعنی، پیامدهای عملی یافته‌ها، و اینکه اطلاعات حاصل از یافته‌ها رفتار چه کسی تحت تاثیر قرار می‌گیرد و آیا هیچ نشریه‌ای قبل از این در این زمینه منتشر شده است یا نه. بر اساس تجربه توصیه می‌کنیم که این بخش را بعد از کامل شدن سایر بخش‌ها بنویسید. این روش به یک سودمندی در پیوند عناصر مقاله به یکدیگر منجر می‌شود. اغلب ما بر روی دست نوشته تجدید نظر می‌کنیم چرا که زمانی که مقدمه را می‌نویسیم، متوجه می‌شویم که این پیوندها صریح نیستند. بنا به تجربه ما، رویکرد زیر برای نوشتن بخش مقدمه سودمند است. پاراگراف را با یک مسئله اجتماعی که زندگی خواننده را به خطر انداخته شروع کنید تا بتوانید توجه خواننده را جلب کنید. در پاراگراف دوم، با پوشش مهم‌ترین پژوهش‌های قبلی بر سر این موضوع، ادبیات موضوعی را خلاصه کنید و شکاف در دانش را تا زمانی که پیوندی به وضوح بین سوالات خاص بررسی شده مقاله برقرار شود، نشان دهید. از سه پاراگراف برای توضیح چرایی و چگونگی مقاله و بررسی شکاف استفاده کنید. در پاراگراف چهارم، توضیح دهید که چرا این موضوع باید برای خواننده جالب باشد، از جمله پیامدهای نظری و عملی آن را بگویید. اشاره به شکاف در ادبیات موضوعی به اندازه کافی خوب نیست. دلیل این مسئله این است که ممکن است بررسی این مسئله به این روش منطق نباشد. به هر حال، اگر منافع و پیامدهای عملی وجود داشته باشد، نثر پژوهشی حاضر یک *raison d'être* دارد. براستی "تحقیق باید ... ارتباطات دقیق و قوی را در عمل ایجاد کند." در زمان تلاش برای پیامدهای عملی منطقی، به راستای انتخاب حسابرسی (توسط حسابداران، مدیران، تنظیم‌کنندگان) و با راستای تاثیر اجتماعی بر سرمایه‌گذاران، وام‌دهندگان؛ کارگران، مشتریان

و جوامع محلی، محیط طبیعی و /یا جامعه در کل تلاش می‌کند. بررسی پیامدهای عملی یافته‌ها را برای چندین گروه ذکر شده در هردو مجموعه براکت‌های بالا توضیح می‌دهد. در دو پاراگراف دیگر، این باید مستقیماً به یک نتیجه پیوند بخورد.

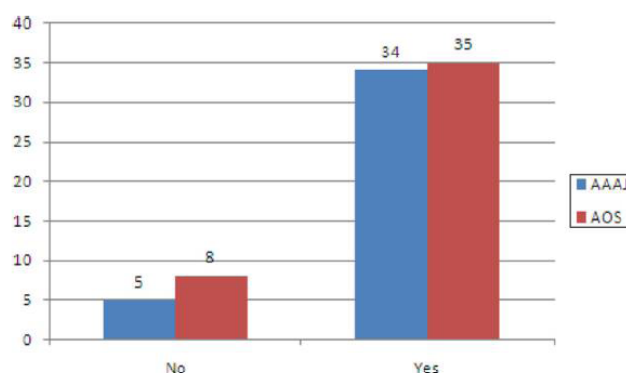
در این پاراگراف، مسئله تازگی مقاله را بررسی کنید. تعدادی از مقاله‌های منتشر شده در AAAJ و AOS با چالش‌هایی مواجه می‌شوند و مسائل تازه را به صورت مستقیم بررسی می‌کنند. برای مثال، در Norreklit AAAJ و همکاران (2010) تشریح می‌کنند که چگونه "پیشنهاد سازگاری عملگر برای این هدف (برای پیشنهاد چارچوبی برای پارادایم جدیدی برای شیوه حسابرسی) برای ادبیات موضوعی حسابرسی جدید است". به همین ترتیب، در AOS، Jones (2010) بیان کرد که:

مدل Mann با رویکرد تحلیلی جدیدش ... منابع قدرت متفاوتی را بررسی می‌کند، بنابراین، در درک تاریخی و ارائه رویکرد متدلوژیکال جدید سهم دارد.

یک پاراگراف اختیاری، که معمولاً در انتهای مقدمه است، به عنوان پاراگراف نقشه راه شناخته می‌شود، و نشان می‌دهد که چگونه بخش‌های بعدی مقاله آورده شده‌اند، و در کل ساختار بندی مقاله را نشان می‌دهد. لذا سوال این است " آیا به پاراگراف نقشه راه نیاز داریم؟".

پاراگراف نقشه راه یک ویژگی مشترک بیشتر مقاله‌های حسابداری آکادمیک است. پاراگراف نقشه راه منشایی در ارائه خلاصه معقول دارد. یک پاراگراف نقشه راه به صورت زیر است:

(...) باید نقاطی تنظیم شود که در عمق بیشتری در بخش‌ها یا زیر بخش‌های زیر بحث شده‌اند. مهم است که مقدمه شامل همچنین پاراگرافی باشد چرا که خوانندگان قانونی افراد پرمشغله‌ای هستند که مایل هستند که از پیش نتیجه‌گیری را ببینند. پاراگراف نقشه راه مهم است چرا که یک بررسی بر موارد آینده را ارائه می‌دهد. نقشه راه به خواننده کمک می‌کند که بداند که نیاز دارد که چه بخش‌هایی را بخواند. و همچنین خواننده بدون خواندن کل مقاله می‌تواند از کلیت مقاله اطلاع پیدا کند.



شکل 3: تعداد مقالات با یک پاراگراف نقشه راه در AAAJ و AOS (2010)

تحلیل ما در شکل 3 نشان می‌دهد که چگونه بیشتر مقاله‌ها شامل یک پاراگراف نقشه راه هستند، و AOS دارای مقاله‌های بیشتری بدون این پاراگراف است، نسبت به AAAJ. به هر حال بسیاری از پاراگراف‌های نقشه راه که بررسی کردیم هیچ چیز بیشتر از یک نمایش سریع از مطالب آینده نیستند، بنابراین اهداف بیان شده توسط Levinson (2009) را نادیده می‌گیرد. در مقابل، از نظر ما، تعداد کمی وجود دارند که به صورت مخصوصی خوب نوشته شده‌اند و هدف تشریح استدلال‌های مقاله را کسب کرده‌اند. پاراگراف نقشه راه توسط Baker (2010) یک مثال خوب است: ساختار این مقاله به شرح زیر است. اولین بخش بر توسعه ثبت مدیریتی در ادبیات موضوعی SEA بررسی‌هایی را انجام می‌دهد. دومین بخش شواهد حاصل از ثبت مدیریتی را با مدل‌های دموکراسی مشارکتی الهام گرفته شده از Habermas مقایسه می‌کند. بخش سوم سؤالاتی را در مورد ارتباط و کفایت استفاده از Habermas به عنوان یک مدل ایده آل برای درک مشارکت ذی نفعان بیان می‌کند. بخش چهارم ایده‌های فوکو در مورد نظم را برای ارائه چارچوب جایگزینی از ثبت مدیریتی معرفی می‌کند. این بخش بیان می‌کند که خود مدارک می‌تواند به عنوان یک تاثیر مالی فراگیرتر دیده شود، که ذهنیت مدیریتی را شکل می‌دهد. بخش پنجم از مطالعات تجربی استدلال‌هایی را حاصل کرده است که این اثرات نظم و روش‌هایی که نگرش‌ها و باورهای مدیریتی مشروط به مشارکت ذی نفعان و محیط ربط پیدا می‌کند را تشریح می‌کند. مقاله با استنتاج بینش‌های عملی این تحلیل از مدارک را با توجه به مشارکت و پژوهش آینده نتیجه‌گیری می‌کند.

به هر حال، ژورنال‌های خاصی مانند Abacus، شامل پاراگراف نقشه راه نیستند و در حقیقت قبل از انتشار توسط ویراستار این بخش از آن‌ها حذف می‌شود. بنابراین، این مثالی از این است که چگونه یک نویسنده باید دستورالعمل‌های مربوط به انتشار مقاله در وب سایت مربوطه را بداند، بلکه باید مشخصه‌های مقاله‌های منتشر شده را نیز بداند.

به هر حال، پاراگراف نقشه راه ممکن است زمانی که می‌خواهیم یک داستان بگوییم ضروری باشد. یک داستان خوب ما را به فکر فرو می‌برد، و یک پاراگراف نقشه راه، با یک چکیده و مقدمه همه پاسخ‌ها را می‌گوید، ممکن است نسبت به سخن Sword (2009) دلسرد کننده باشد:

یک مقاله که ما را به فکر فرو نمی‌برد، هیچ داستان و روایتی نمی‌گوید، هیچ حرکتی از A به B حس نمی‌شود، توجه خواننده را به صورت موثری آن گونه که برنامه ریزی شده است، حتی در مناسب ترین سطح، مانند یک تریلر خوب (آنچه که در آینده رخ می‌دهد؟)، یا رمان اسرار آمیز (چه سرنخ‌هایی را کارآگاهان در دست دارند؟)، یا Bildungsroman (از شخصیت‌های اصلی چه درس‌هایی یاد گرفته می‌شود؟)، حتی یک شعری یا حماسه (آیا پیروزی خوب بر بد صورت می‌گیرد؟ آیا بعد از غلبه بر چالش‌ها به شادمانی می‌رسیم؟) جلب نمی‌کند.

مقاله AAJ توسط Czarniawska (2010) یک مثال از داستان‌های جالب بدون پاراگراف نقشه راه است. Czarniawska یک داستان از پروژه بازسازی شهری در رم می‌گوید، و اینکه چگونه در طول زمان تکامل می‌یابد، و خواننده را با مطالب بعدی غافلگیر می‌کند. جای تعجب ندارد که، Barbara Czarniawska در جوامع حسابداری از نظر توانایی در توسعه و استفاده از روایت‌ها مشهور هستند.

در زمان بررسی مقدمه در نمونه ما، متوجه طیف گسترده‌ای سبک‌ها شدیم، که از آنچه که مشخص کردیم تبعیت نمی‌کنند. برای مثال، مقاله AOS توسط Mennicken (2010) یک بخش ابتدایی با عنوان "حسابرسی در حال گذار" دارد که بیش از 3200 کلمه و هشت پاورقی دارد و به بهترین نحو با یک "بررسی بر ادبیات موضوعی/زمینه/مقدمه" مانند "موارد و روش‌ها" تشریح شده است. تجربه ما به عنوان بازدید کننده بر بسیاری از ناسازگاری‌هایی در آن چه که به عنوان یک "مقدمه" در بسیاری از مقالات با استفاده از عبارت "مقدمه" تشریح شده است در زمانی که این بخش‌ها بیشتر شبیه بر بررسی بر ادبیات موضوعی اولیه هستند، حتی پر از سوالات پژوهشی

است، تاکید می‌کند. بنابراین، توصیه قبلی خوب برای نوشتن "مقدمه" به عنوان آخرین بخش را تکرار می‌کنم، و بنابراین از ابهام در محتوا با مطالبی که باید در بخش‌های مناسب تر قرار داده شوند، اجتناب کنید.

استفاده از نظریه

دلیل دیگر برای اینکه ممکن است دست نوشته‌ها توسط ژورنال‌های اصلی رد شوند تئوری‌های استفاده شده در مقاله‌ها است. تئوری یک انتزاع از واقعیت است، یک ساده سازی است که به ما اجازه می‌دهد که موارد زائد را حذف کنید و بر مسئله اصلی تمرکز کنیم و بنابراین تئوری معمولاً نقش مهمی را در مقالات پژوهش حسابداری منتشر شده در ژورنال‌های حسابداری عمومی بازی می‌کند. داده‌ها (و یافته‌ها) ممکن است داستانی را بگویند، اما اگر داستان با درک‌های فعلی در تضاد باشد، بازرسان احتمال دارد که در مورد داده‌ها، متدها و غیره سوال بپرسند. یک توالی قانع کننده تر این است که از نظریه برای تشریح مکانیزم علیتی در کار استفاده کنیم که یافته‌های مورد انتظار را تشریح میکند، که با یافته‌ها دنبال می‌شود. این به صورت کلی تر به عنوان متد علمی شناخته شده است.

مقالات منتشر شده در یک ژورنال حسابداری امریکای شمالی رتبه بالا، مانند ژورنال حسابداری و اقتصادی، منتشر شده است، که تمایل دارد که کمتر در مورد نظریه‌های استفاده شده صراحت داشته باشد چرا که یک فرض وجود دارد که مقاله از نظریه نمایندگی استفاده می‌کند. بنابراین، آن‌ها تمایل دارند که از یک تشریح عمومی از نظریه نمایندگی گذر کنند و به سمت شناخت مشکلات نمایندگی در محیط خاص بروند. برای مثال، با تمرکز بر خودخواهی، رفتار کوتاه مدت و ناکارآمدی از سمت عامل انتظار می‌رود. بنابراین، بخش توسعه فرضی آن‌ها تمایل دارد که تابع توسعه نظری، تست و کاربرد را اجرا کند.

در ژورنال‌های حسابداری عمومی با رتبه بالای امریکای شمالی، بسیاری از نظریه‌های متفاوت می‌توانند استفاده شوند. بنابراین، نیاز است که در مورد نظریه صریح بود. یک بحث عمومی بر نظریه انتخاب کافی نیست. نظریه انتخاب باید برای مشخصه‌های مقاله پژوهشی استفاده شود، و یک انتظار وجود دارد که نظریه نیاز دارد که به فراتر از کاربردهای

قبلی توسعه یابد. بنابراین، متداول نیست که یک دست نوشته توسط یک ژورنال حسابداری عمومی رتبه بالا بر مبنای توسعه ناکافی نظریه رد شود.

توصیه ما به نویسندگان این است که، بر اساس تجربه، داشتن نظریه استاندارد، همیشه بسنده نیست. نویسندگان نیاز دارند توضیح دهند که چگونه نظریه بررسی می‌شود، و چگونه از آن در شرایط خاص استفاده می‌شود. با تشریح دقیق ساختارهای درگیر و روابط علیتی که نویسندگان انتظار دارد که در این عرصه کار کند آن‌ها بررسی کردند که خواننده ای که می‌تواند چرایی و چگونگی استفاده از تئوری را درک کند برای ایجاد بینش و انتقاد ارزشمند هستند. علاوه بر این، ویراستاران و بازرسان بهتر در مورد انتخاب نظریه و استفاده از آن آگاه هستند، و به صورت امیدوار کننده سوالات و نگرانی‌هایی نظریه استفاده شده را حذف می‌کنند.

بخش متد

هر متد پژوهشی دارای نقاط قوت و ضعف متفاوتی است. داوران تمایل دارند که بر نقاط ضعف تمرکز کنند. بنابراین، تشریح اینکه چگونه نقاط ضعف با متد در ارتباط است بهبود می‌یابد که احتمال موفقیت انتشار را افزایش می‌دهد. برای مثال:

- شبه تجربی (آرشیوی) – درون زایی (اثر علی ممکن است به روش دیگر باشد) و برون زایی (اندازه هر چیزی را توضیح می‌دهد)

- مطالعه موردی – قابلیت تعمیم (چه بینش‌های نظری را مقاله می‌تواند ارائه دهد؟).

- بررسی‌ها – بایاس عدم پاسخ

- آزمایشات – دقت / قابلیت ابزارهای سنجش، شرکت کنندگان نشان نمی‌دهند که چه کسی مدعی است، و شرکت کنندگان در معرض انگیزه‌های بلند مدتی که در زندگی واقعی با آن مواجه هستند قرار نمی‌گیرند.

به طور مشابه، تست‌های آماری و انتخاب تست‌های مناسب برای تحلیل داده موضوع بررسی‌ها است. تست‌های آماری بسیاری وجود دارد، اما بیشتر آن‌ها برای نشان دادن احتمال اینکه در یک تفاوت مشاهده شده در یک نمونه در جمعیت

از نمونه مشاهده شده استنتاج شوند، طراحی شده اند. لذا اهمیت در سطح 1 درصد بیان می‌کند 99 درصد شانس وجود دارد که کل جهان مشاهده شود، و یک تفاوت در اینجا وجود دارد. سنت پژوهشی متفاوت تمایل دارد که از تست‌های آماری متفاوت استفاده کند، برای مثال، یا ANOVA یا آزمون-t. هر دوی این تست‌ها پاسخ مشابه دقیقی را ارائه می‌دهند، اما از یک مورد نامناسب استفاده میکنند که احتمال دارد نشان دهد که نویسنده در سنت پژوهشی خاص تازه وارد است و بنابراین شانس اینکه دست نوشته او رد شود، افزایش می‌یابد. بنابراین، نویسندگان تلاش می‌کنند که از متدهای آماری مشاهده شده در مهم ترین پژوهش قبلی در این عرصه استفاده کنند.

بنابراین، بر اساس تجربه ما، توصیه می‌کنیم که متدها و تست‌های آماری آینه ادبیات موضوعی قبلی هستند، و بهبودهای در متدها و تحلیل‌ها بخشی از نوآوری‌های مطالعه هستند و در مقاله تشریح می‌شوند.

استفاده از "یادداشت‌ها"

همانطور که از قبل نشان داده شد، AAAJ و AOS "یادداشت‌های" خود را به روش‌های متفاوتی نشان می‌دهند، و AAAJ از یادداشت‌های انتهایی و AOS از پاورقی استفاده می‌کند. برای مثال، مقاله AOS توسط Mennicken (2010) دارای 41 پاورقی مجزا است که بیش از 2800 کلمه یا حدود 11 درصد کل متن را دارد. به طور مشابه، در AAAJ، Boedker (2010) از 41 یادداشت نهایی بیش از 3800 کلمه استفاده کرده است، که 27 درصد طول مقاله را تشکیل می‌دهد. یک بررسی بر "یادداشت‌ها" این است که: اگر "یادداشت‌ها" واقعا مهم هستند، آن‌ها باید در قسمت اصلی متن آورده شوند. برای مثال، Mikva (1984) بیان کرد:

اجازه دهید که با ویژگی‌های فیزیکی پاورقی و سختی‌های ناشی از آن آغاز کنیم. بنا به تعریف، یک پاورقی که در زیر متن است به (....) اشاره می‌کند. در زمان خواندن مقاله‌های دارای پاورقی چشمان به صورت پیوسته از متن به پاورقی می‌رود و بازمیگردد. حواس پرتی و اتلاف وقت بسیار است. اگر پاورقی یک فرم منطقی ارتباطات باشد، انتخاب دارویی باعث می‌شود که چشمان به صورت عمودی حرکت کنند به جای اینکه به صفحه افقی نگاه کنید.

با توجه به اینکه "یادداشت‌ها" باید به مقدار کمی استفاده شوند، آن‌ها باید در زمان و جایگاه مناسب در مقالات AAAJ و AOS استفاده شوند.

ارجاع

در حالی که ارجاع نیاز است، دانشگاهیان اغلب به ارجاع بیش از حد متهم می‌شوند. زمانی که ارجاع‌های بررسی شده در هر ژورنالی مورد انتقاد قرار می‌گیرند، به صورت میانگین می‌بینیم که مقالات AOS 89.1 درصد بیشتر از AAAJ 67.6 مورد انتقاد قرار می‌گیرند. انحراف معیار AOS برابر 44.4 است و AAAJ برابر 29.1 است. Kuasirikun and AOS را با شمارش بالاتر نشان می‌دهد، برای مثال، Davison (2010) با 188 مورد و Constable (2010) با 257 مورد. به روش دیگر، Bol and Moers (2010) تنها 31 مورد دارد. در AAAJ، Samkin و Schneider (2010) بیشترین مورد را دارند و Czarniawska (2010) کمترین را دارد. بیان می‌کنیم که طیف گسترده‌ای از مقاله‌ها در ژورنال‌های حسابداری بین رشته‌ای منتشر می‌شوند و این دلیلی برای این طیف است. برای مثال، Czarniawska (2010) روایتی از "پیچیدگی حسابداری، با مثال خاصی از پروژه‌های شهری در رم" را تشریح می‌کند که به جای مقالات علمی بر اساس تصویر است". در مقابل، مقاله تاریخچه حسابداری Kuasirikun and Constable's (2010)، در اواسط قرن نوزدهم در تایلند، بر شواهد قبلاً منتشر شده متکی است.

دانشگاهیان تمایل دارند باور کنند که ارجاع به ژورنالی که مقاله خود را برای آن ارسال می‌کنند ضروری است در غیر اینصورت بازرسان و ویراستاران نگاه کوتاهی به مقاله می‌اندازند و آن را رد می‌کنند. شایستگی‌هایی برای این استدلال وجود دارد چرا که سنت‌های پژوهشی متفاوت و مطالب ژورنال پیشین این بحث را عنوان می‌کنند. بنابراین، یک مقاله که بر پژوهش قبلی منتشر شده در ژورنال خاصی متکی است ممکن است برای انتشار در آن ژورنال، مناسب‌ترین مورد باشد. بنابراین، اگر یک مقاله جدید به مقالات قبلی ژورنال استناد نکند، مناسب بودن آن مورد شک قرار می‌گیرند.

برای مثال، یک مقاله حسابداری جدید برای AAAJ باید به پژوهش‌های قبلی مرتبط منتشر شده در AAAJ استناد کند.

در ذهن داشته باشید که در این راستای استدلال، نویسندگان ممکن است مقالات منتشر شده در ژورنال را با هدف انتشار و استناد تا جای ممکن غربال کنند. بنابراین، مسئله خودارجاعی را بررسی می‌کنیم و در می‌یابیم که خود ارجاعی AOS به صورت میانگین 2.7 برابر AAAJ است، AOS (11.8) در برابر AAAJ (4.2) قرار می‌گیرد. نویسندگان AOS همچنین به AOS بیشتر اشاره می‌کند، حداقل در طول سال 2010. به طور معادل، خود ارجاعی AOS (13.4 درصد) و AAAJ (6.4 درصد) است. بنابراین، اگر چه خود ارجاعی در AOS به صورت قابل توجهی در AAAJ بالاتر است، مقالات در هردو مورد، طیف گسترده‌ای از منابع را استنتاج می‌کنند.

یک سوال باز این است که آیا خود ارجاعی مجله یک مسئله مهم است یا نه. به عنوان یک راهنما، یک سیستم رتبه بندی استناد Scopus یک حداکثر 33 درصدی را قبل از توقف شمارش اجازه می‌دهد. هر دو AOS و AAAJ به راحتی تحت محدودیت‌ها قرار می‌گیرند. مورد دیگر دستورالعمل‌های ذکر شده توسط مطالعه Tahai and Meyer's (1999) در مواردی است که یک میانگین 5 درصدی خود ارجاعی ژورنال با طیف 0-9 درصد در میان ژورنال‌های مدیریت امریکای شمالی رتبه بالا دیده می‌شود. AAAJ در دستورالعمل قرار می‌گیرد در حالی که AOS بالای دستورالعمل قرار می‌گیرد.

با ارجاع، ما طیف گسترده‌ای از خود مرجعی استفاده شده را کشف می‌کنیم. بیشتر موارد AOS به مقالات Hall (2010) و Mundy (2010) با 37 مورد در هر یک تعلق دارد در حالی که در AAAJ مقالات توسط Samkin (2010) and Schneider (2010) و Brown (2010) هریک دارای 14 مورد هستند. به روش دیگر، برخی از مقالات شامل خود ارجاعی نیستند. AOS دارای چهار (Koch and Schmidt, 2010; Norman et al., 2010; Gibbins et al., 2010; Bol and Moers, 2010) و AAAJ دارای هفت مورد (Mc Watters and Lemarchand, 2010; Kornberger and Carter, 2010; Cristofoli et al., 2010; Czarniawska, 2010; Boedker,

2010; Orij, 2010; Peng and Bewley, 2010) است، که نشان می‌دهد که خود ارجاعی برای منتشر شدن نیاز نیست.

پس از انعکاس، بر اساس تجربه ما، به نویسندگان توصیه میکنیم که در مورد ارجاع فکر کنند؛ تنها به مقالاتی استناد کنند که در استدلال‌ها سهم داشته باشند. نویسندگان باید تضمین کنند که آن‌ها دست نوشته‌ها را به مجلاتی می‌فرستند که با ارجاع‌های دست نوشته متناسب است.

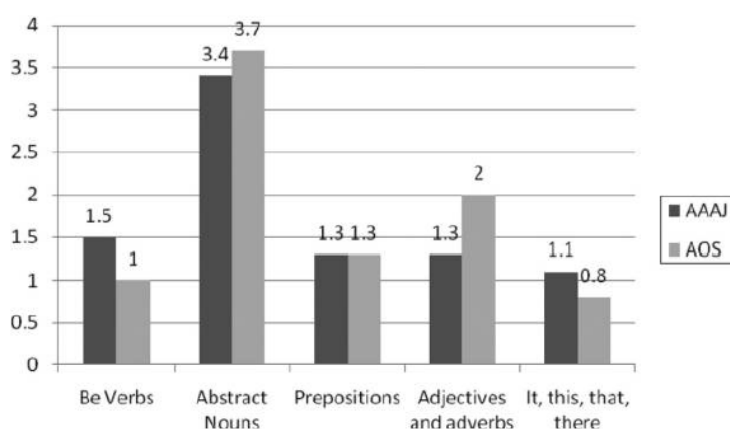
سبک نثر استفاده شده

در نظر گرفتن "مقدمه" در بررسی ما، مهم ترین بخش مقاله است، که بر یافته‌های آن بر اساس برخی از تحلیل‌های جدید بحث میکنیم که به سبک نثر استفاده شده در "مقدمه" اجرا می‌شود. به دلیل اینکه "مقدمه" نیاز است که به خوبی برای ابلاغ پیامش نوشته شود، ما "مقدمه" را مبنایی برای تحلیل ساختار نوشته قرار میدهیم. همانطور که در چارچوب پژوهشی نشان داده شد، از Sword "WritersDiet Test" (2007) برای بررسی سبک نوشتن "مقدمه" 2010 مقالات AAJ و AOS استفاده می‌کند. فرضیه ما این است که، با توجه به اهمیت "مقدمه" برای خوانندگان علاقمند، این به سبک انتزاعی نوشته می‌شود.

همانطور که در ابتدا نشان داده شد، "WritersDiet test" نثرهای آکادمیک را به عنوان یک مورد تشخیصی به جای یک ابزار تجویزی ارزیابی میکند. با تحلیل نوشته‌های آکادمیک با استفاده از پنج گروه "افعال ضعیف، اسمای انتزاعی، حروف اضافه، صفت‌ها و قیود و افعال اضافه"، یک "رتبه بندی کلی" می‌تواند تعیین شود. در حالی که Sword (2007) رتبه بندی عددی را ارائه نمیدهند، ما سیستم رتبه بندی را برای شامل شدن امتیاز نشان داده شده در چارچوب پژوهشی می‌پذیریم. بنابراین، هریک از پنج گروه تست بر مقیاسی از 4 "حمله قلبی" تا 0 "Lean" رتبه بندی میشود، که مجموعه امتیاز 20 را میدهد. علاوه بر این، ما استفاده از نسخه تست‌های آنلاین را به جای یک تحلیل دستی با توجه به محدودیت‌های زمانی و برای کاهش تعصبات یا مسائل مهارتی با یک شخص که کدگذاری را انجام میدهد، استفاده میکنیم. همچنین برای تضمین اینکه ما تنها خود کلمات نویسنده را تحلیل میکنیم، کلمات و

عبارتی که به مراجع یا نویسنده دیگر تعلق دارد را حذف میکنیم. نرم افزار یک حداکثر 1000 کلمه ای را در هر زمان تحلیل میکند، بنابراین، ما یک امتیاز را با کپی کردن 1000 کلمه اول "مقدمه" در کادر متن تست بدست می آوریم و از تنظیمات تست برای حذف مراجع و نقل قولها استفاده میکنیم، و سپس کلمات نویسنده را تست میکنیم.

ما هیچ تفاوت قابل توجهی را بین سبک نوشتن AAJ و AOS کشف نکردیم، اما در زمان تحلیل هر مولفه سبک، مشاهده کردیم که چگونه بیشتر نویسندگان تحت گروه "اسم انتزاعی" مانند شکل 4 بیشترین امتیاز را میگیرند. برای مثال، در مقالات حسابداری آکادمیک، بسیاری از نویسندگان از nominalisations استفاده میکند - اسم انتزاعی از فعلها و صفاتی تشکیل شده است که با پیشوند ness, ance, ence, ion, ism, ty, ment مانند organization به جای ارجاع مستقیم به نوع سازمانی که می‌خواهیم در مورد آن بنویسیم مانند company or firm استفاده می‌کند. بنابراین، یافتن درصد بالایی از ضمائر انتزاعی با در نظر گرفتن بیشتر نویسندگانی که در این سطح هستند به شدت نیازمند مهارت‌های نوشتن توسعه یافته و آموزش آکادمیک است که بیشتر بر نوشته‌ها به روش انتزاعی تمرکز می‌کند.



شکل 4: نتایج تست WritersDiet از مقالات AAJ و AOS (2010)

در نمونه ما، مقاله‌ها در AOS به صورت قابل توجه تری بلندتر از AAJ است، به طور میانگین 14363 و 10485 کلمه دارند به ترتیب. در حالی که AOS راهنمایی برای طول کلمه خاصی ندارد، AAJ خواهان مقاله‌هایی بین 6000 تا 12000 کلمه است. به هر حال 32 مقاله AOS و 13 مقاله AAJ در بیش از 12000 کلمه منتشر شده

اند، و سه مقاله AOS در بیش از 20000 کلمه منتشر شده است. به هر حال، حذف اسمای انتزاعی تعداد کلمات کوچکتر را تضمین نمی‌کند. امتیازهای “WritersDiet” می‌توانند بهبود یابند در حالی که تعداد کلمات با ارائه مثال‌های منسجم به جای استدلال‌های انتزاعی یا با تبدیل اسمی مختلف به فعل و قید می‌تواند حفظ شود یا افزایش یابد. کمترین امتیاز با یک “اسم انتزاعی” با رتبه 1 (“Fit and trim”) یا کمتر مقاله Kornberger AOS و همکاران (2010) و مقاله Toms AAAJ (2010) است. این مقاله‌ها تشریح می‌کنند که چگونه یک سبک غیرانتزاعی نوشته شود و منتشر شود.

بر اساس تجربه نوشتاری نویسنده کلمات در بیشتر نمونه‌های نوشتاری می‌توانند 10-20 درصد با ویرایش نمونه تا زمانی هر گروه به نمره 0 یا 1 برسد کاهش یابد. بنابراین، استفاده از “WritersDiet test” می‌تواند نویسندگان AAAJ و AOS را از 1000-5000 کلمه نجات دهد. لیست زیر دیگر گروه‌های “WritersDiet Test” را با مثالی از چگونگی کاهش تعداد کلمه‌ها با استفاده از تست تشریح می‌کند:

- تست ad-word صفات و قیدهایی را می‌شمارد که با پسوندهای معمولی مانند able, ac, al, ant, ary, ent, ful, ible, ic, ive, less, ly, ous خاتمه می‌یابند.

- تست حرف اضافه، حرف اضافه‌هایی مانند in, by, for and of را می‌شمارد. تست در زمانی که از یک ساختار فعل مصدر استفاده می‌شود “to” هم می‌شمارد.

- تست فعل be-verbs را می‌شمارد: am, is, are, was, were, be and been

- تست کلمه زاید کلماتی مانند it, this, that and there را می‌شمارد.

نقل قول زیر پاراگراف بازی از مقاله Tilling and Tilt AAAJ (2010) است. ما پاراگراف را در “WritersDiet Test” تست می‌کنیم و این با رتبه بندی “Flabby” حاصل می‌شود، با گروه‌هایی حروف اضافه (ایتالیک) و اسم انتزاعی (بولد) که در رتبه بندی کلی سهم دارد حاصل می‌شود. قیدها (زیر آن‌ها خط کشیده شده است) فعل‌ها (بولد و ایتالیک) و کلمات زاید (ایتالیک با زیر خط) نیز نشان داده شده‌اند.

In the effort to understand the motivation of corporations in providing voluntary social and environmental disclosure a number of theories have been employed. This paper continues this theme of research through a longitudinal case study conceived as a test of legitimacy theory as it has been described in accounting research. Instead of focusing on a range of organisations and industries, the examination of a single company complements previous broader-based studies. Despite the potential for legitimacy theory to explain a broad range of corporate behaviour, there has been relatively little research to date into legitimacy theory except in the context of environmental disclosures.

با استفاده از نکته Sword (2007)، ما قادر به کاهش تعداد کلمات از 102 به 64 کلمه شدیم:

In accounting research, many theories are used for understanding what motivates companies to provide social and environmental disclosures. This article continues the accounting theory research theme, presenting a longitudinal case-study, testing legitimacy theory. Case-studies, examining single companies, complement broader based studies involving multiple companies and industries. Excepting environmental disclosure, little research about legitimacy theory is found, despite its potential for broadly explaining company behaviour.

ابتدا، ما اسامی انتزاعی را به اسم ذات (corporations به companies) و فعل‌ها (examination) به examining) تبدیل کردیم، و نمونه‌ها را حول این تغییرات مجدد ساختار بندی کردیم. ساختار بندی مجدد نیز به حذف حروف اضافه کمک می‌کند، که در جمله چهارم می‌بینیم، که در آن حفظ حرف اضافه را به یک مورد کاهش دادیم. زمانی که یافته‌ها را به موارد نوشته‌های دانشگاهی که به دلیل طولانی بودن مورد انتقاد قرار گرفته اند ربط می‌دهیم، یافته‌های ما ممکن است راهی را به سمت کنار آمدن با این انتقاد پیدا کنند:

با کاهش تعداد کلمه ها، می‌توانیم به صورت بالقوه بر دیگر نقایص نوشتن تاکید کنیم. پاراگراف چهار جمله دارد، که فاقد استدلال سازنده است؛ کلماتی مانند “consequently, then, it follows, as, because, therefore, since” نادیده گرفته می‌شوند. بنابراین، ما خواهان ساختار بندی مجدد پاراگراف برای شامل شدن یک ادعا هستیم، داده و هشدار ی که Norreklit (2003) توضیح داد:

ادعا این است که نقطه نظری که ارسال کننده خواهان آن است دریافت پذیرش است (Paul is ill). داده مبنایی را شکل می‌دهد که از این ادعا حمایت می‌کند (Paul is pallid). حکم ادعا و داده را ترکیب می‌کند و اغلب ضمنی است (When Paul is pallid, he is ill).

ساختاربندی مجدد پاراگراف و شفاف سازی استدلال ممکن نیست که شمارش کلمه را کاهش دهد، اما اساساً در کمتر انتزاعی کردن مقاله و قابل درک کردن آن سهم دارد. ما پاراگراف نمونه را باز نویسی می‌کنیم، که برای تفسیر دلیل Tilling and Tilt (2010) که در مقاله خود نوشته اند، تلاش می‌کند. در پاراگراف تجدید نظر شده، ما تنها سه جمله داریم، که ادعا، داده و حکم را نشان می‌دهد. بدون ارجاع، پاراگراف 64 کلمه دارد. ما نقص احتمالی دیگر را نشان می‌دهیم، که تاکید میکند که ما ارجاعاتی را انتظار داریم که از استدلال کلی به عنوان نوشته‌های آکادمیکی که از اختیار دیگر مقالات منتشر شده آکادمیک استفاده می‌کند، حمایت می‌کند.

در پژوهش حسابداری، نظریه‌های بسیاری برای درک آنچه که شرکت‌ها را به سمت ارائه افشای اجتماعی و محیطی تحریک می‌کند استفاده می‌شود. به غیر از افشای محیطی، پژوهش کمی در مورد نظریه مشروعیت پیدا شده است، با توجه به پتانسیل آن برای بررسی گسترده رفتار شرکت (ارجاع؟)، بنابراین، فرصتی برای پژوهش آینده شناسایی می‌شود. این مقاله فرصت را بررسی می‌کند، تست مطالعه موردی طولانی بر نظریه مشروعیت، مطالعات مبتنی بر تکمیل گسترده تر شامل کمپانی‌های متعدد (ارجاع؟) و صنعت‌ها (ارجاع؟) ارائه می‌دهد.

توصیه ما به نویسندگان این است که باید بر رونق هنر خود تمرکز کنند؛ و کتاب‌ها و ابزارهای زیادی در دسترس داشته باشند. توجه کنید که توصیه ما در اینجا بر اساس این وعده است که شفافیت و سبک مشارکت شانس اینکه دست نوشته منتشر شود را بهبود می‌بخشد، البته، ما نمی‌توانیم از این فرضیه مطمئن باشیم، چرا که ما قادر به مقایسه مقاله‌ها منتشر شده با نوشته‌ها رد شده نیستیم. توجه کنید که پاراگرافی که در بالا "بهبود" دادیم، بخشی از مقاله منتشر شده است، که نشان می‌دهد که نوشته "مناسب" پیش نیاز پذیرش دست نوشته نیست.

آیا باید از زبان شخص ثالث استفاده کرد یا می‌توان به زبان اول شخص نوشت؟

اساتید اغلب برای نوشتن غیرشخصی آموزش می‌بینند، استفاده از چشم انداز شخص ثالث، آن‌ها را از پژوهش برای ارتقای اهداف علمی ظاهری متمایز می‌کند. به هر حال، نوشتن به زبان اول شخص می‌تواند مستقیم تر باشد و در برجسته سازی نقطه نظر موثرتر باشد. استفاده از اول شخص می‌تواند استدلال‌ها را تقویت کند و آن‌ها را قانع کننده

سازد. چشم انداز اول شخص یک سبک نوشتن جذاب تر را به همراه دارد. نوشتن به سبک اول شخص یک انتخاب سبک شخصی است و به صورت گسترده در ژورنال‌های حسابداری پذیرفته می‌شوند. تحلیل ما نوشته‌های اول شخص و سوم شخص را در AAAJ و AOS نشان می‌دهد. در حالی که AAAJ مقالاتی را به زبان اول شخص منتشر می‌کند، اکثریت آن‌ها هنوز به زبان سوم شخص هستند. AOS نسبتاً مقاله‌های بیشتری را به زبان اول شخص منتشر کرده است تا AAAJ.

همچنین کنجاویم کشف کنیم که نوشتن به زبان اول شخص می‌تواند سبک انتزاعی نوشته آکادمیک را که قبلاً مشخص کردیم را ارتقا می‌دهد یا نه. به هر حال، این در نمونه ما مهم نیست. در حقیقت، نمونه ما نشان می‌دهد که مقاله‌هایی که به زبان اول شخص هستند می‌توانند انتزاعی تر از موارد نوشته شده به زبان سوم شخص باشند. ما به نویسندگان توصیه می‌کنیم که در زمان انتخاب اینکه اول شخص باشد یا سوم بخش، به اولویت‌های خود توجه کنند.

توصیه‌های بیشتر

رتبه‌های پذیرش در ژورنال‌های حسابداری به شدت رتبه بندی شده پایین است – حدود ده درصد. برای مثال، پژوهش حسابداری مناسب (CAR)، نرخ پذیرش آن برای سال 2009 برابر 12 درصد بوده است و از سال 2007-2009 میانگین سه ساله برابر 8 درصد بوده است. یک مقاله با کاستی‌های قابل توجه بیشتر احتمال دارد که رد شود. بنابراین، این تضمین میکند که نقص‌های آشکار قبل از اینکه مقاله به ژورنال ارسال شود حذف شوند. یک اولین مرحله برای هر نویسنده خواندن دوباره مقاله برای تصحیح و بهبود مقاله است. بازخورد اضافی معمولاً از همکاران در دانشگاه خود نویسنده ها، از شرکت کنندگان در سمینار پژوهشی در دانشگاه‌های دیگر، یا از طریق روند بررسی و ارائه در کنفرانس در دسترس است. علاوه بر این، مشارکت در خدمات ویرایش کپی حرفه ای در نظر می‌گیرد، به خصوص اگر انگلیسی زبان اول شما نباشد. با حذف یا بررسی این مسائل، شانس موفقیت نشریه افزایش می‌یابد. مسائلی که توضیح داده می‌شود و بازخورد در این مرحله مانند موردی است که توجه ویراستار و بازرسان را جلب می‌کند. بنابراین، مزایایی

برای اینکه مقاله را در معرض کسانی قرار دهیم که بازخورد مناسبی را در سنت پژوهش مقاله نشان داده اند و راه حل‌های ممکن را، قبل از ارسال مقاله برای بازبینی ترکیب می‌کنند، وجود دارد.

نتیجه گیری

در این مقاله، ما منحنی تازگی/دقت را معرفی کردیم، روابط بین تازگی سوال پژوهشی و دقت طراحی پژوهشی و اجرای آن را که به احتمال پذیرش نشریه در سطوح متفاوت ژورنال مربوط است را توضیح دادیم. در کل، یک پرسش جدید، که به سختی بررسی می‌شود ضروری است. شکل 2 منحنی را نشان می‌دهد و این روابط را وارد جزئیات بیشتر میکند. دیگر سهم مقاله ما چارچوبی برای ایجاد یک مقاله دانشگاهی حسابداری است که در جدول 1 آورده شده است. مهم است به یاد داشته باشید که چارچوب تجویزی نیست. در عوض، چارچوب بخش‌های معمولی را شناسایی می‌کند که می‌تواند آورده شود، و ترتیب آن‌ها در مقاله‌های AOS و AAAJ دیده می‌شود.

سهم بیشتر در ارائه بررسی ادبیات موضوعی و تحلیل مقاله‌های AAAJ و AOS در تعدادی از موضوعات هستند که می‌تواند به کیفیت مقاله اضافه کند و شانس موفقیت انتشار را بهبود بخشد. بار دیگر، ما خواهان پابندی سفت و سخت برای الگوهای از پیش تعیین شده نیستیم چرا که شواهد کافی از رویکردهای متفاوت را پیدا می‌کنیم که به موفقیت نشریه در میان مقاله‌های AAAJ و AOS منجر می‌شود.

نوشته‌های دانشگاهی می‌توانند به عنوان دستاوردی دیده شوند که نیاز است در طول زمان آب بندی شوند. پذیرش یک سبک که با سنت‌های مجلات خاص متناسب است مهم دیده می‌شود، که مسائلی مانند انتخاب نظریه و ارجاعات مهم را در نظر می‌گیرند. همانطور که سرآشپزها مهارت خود را در آشپزخانه نشان می‌دهند، دانشگاهیان با کلیدهای صفحه کلید مهارت خود را نشان می‌دهند. انتشار در AAAJ یا AOS می‌تواند به راه اندازی و پیشرفت در حرفه دانشگاهی کمک کند. دانشگاهیانی که معمولاً در ژورنال‌های برتر مقالات خود را چاپ می‌کنند مدعی هستند که با تمرین مهارت نوشتن خود را بهبود بخشیده اند. به هر حال، AAAJ و AOS مقاله نویسندگانی را چاپ میکند که قبلاً در هیچ ژورنالی مقاله ای را منتشر نکرده اند، اساساً به خاطر اینکه دست نوشته باید بینش‌های جدیدی را ارائه

دهد و در عین حال از متدهای دقیقی توضیح داده شده توسط منحنی NR استفاده کند. با این همه، دانشگاهیان برجسته امروزی باید قبل از اینکه به خوبی شناخته شوند، مقاله ای را به چاپ رسانده باشند. ما با Sword (2009) موافقیم که دانشگاهیان باید توسعه مهارت‌های نوشتن خود را برای تولید مقالات جالب تری که پتانسیل مخاطبین بیشتر را دارند گسترش دهند.

در این مقاله، دستورات تضمیمی برای موفقیت را ارائه نمی‌دهیم. بنابراین، پژوهش آینده برای بسط مطالعه موردی است و پیشنهاداتی برای ارتقای احتمال پذیرش مقاله وجود دارد. ما تحقیق بر جنبه‌های رفتاری بازرسان را به عنوان یک موضوع پژوهشی آینده پیشنهاد میکنیم.

References

- Agyemang, G. (2010), "Accounting for needs? Formula funding in the UK schools sector", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 1, pp. 82-110.
- Baker, M. (2010a), "Office window", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 8, pp. 1063-1063.
- Baker, M. (2010b), "Re-conceiving managerial capture", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 7, pp. 847-867.
- Boedker, C. (2010), "Ostensive versus performative approaches for theorising accounting-strategy research", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 5, pp. 595-625.
- Bol, J.C. and Moers, F. (2010), "The dynamics of incentive contracting: the role of learning in the diffusion process", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 8, pp. 721-736.
- Bono, J.E. and McNamara, G. (2011), "Publishing in AMJ-Part 2: research design", Editorial, *Academy of Management Journal*, pp. 657-660, available at: <http://search.ebscohost.com/login.aspx?direct=true&db=vfh&AN=64869103&site=ehost-live> (accessed 6 September 2014).
- Bradbury, M.E. (2012), "Why you don't get published: an editor's view", *Accounting & Finance*, Vol. 52 No. 2, pp. 343-358.
- Brick, J. (2005), *Writing Academic English*, Macquarie University, Sydney.
- Brown, J. (2010), "Accounting and visual cultural studies: potentialities, challenges and prospects", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 4, pp. 482-505.
- Burchell, S., Clubb, C., Hopwood, A., Hughes, J. and Nahapiet, J. (1980), "The roles of accounting in organizations and society", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 5 No. 1, pp. 5-27.
- Carmona, S., Donoso, R. and Walker, S.P. (2010), "Accounting and international relations: Britain, Spain and the Asiento Treaty", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 2, pp. 252-273.
- Christensen, J. (2011), "Good analytical research", *European Accounting Review*, Vol. 20 No. 1, pp. 41-51.
- Chua, W.F. (2011), "In search of 'successful' accounting research", *European Accounting Review*, Vol. 20 No. 1, pp. 27-39.
- Cianci, A.M. and Kaplan, S.E. (2010), "The effect of CEO reputation and explanations for poor performance on investors' judgments about the company's future performance and management", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 4, pp. 478-495.
- Clarkson, P.M. (2012), "Publishing: art or science? Reflections from an editorial perspective", *Accounting & Finance*, Vol. 52 No. 2, pp. 359-376.
- Cristofoli, D., Ditillo, A., Liguori, M., Sicilia, M. and Steccolini, I. (2010), "Do environmental and task characteristics matter in the control of externalized local public services? Unveiling the relevance of party characteristics and citizens' offstage voice", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 3, pp. 350-372.
- Czarniawska, B. (2010), "Translation impossible? Accounting for a city project", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 3, pp. 420-437.
- Davison, J. (2010), "[In]visible [in]tangibles: visual portraits of the business elite", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 2, pp. 165-183.
- Frow, N., Marginson, D. and Ogden, S. (2010), "'Continuous' budgeting: reconciling budget flexibility with budgetary control", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 4, pp. 444-461.
- Gendron, Y. and Spira, L.F. (2010), "Identity narratives under threat: a study of former members of Arthur Andersen", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 3, pp. 275-300.
- Gibbins, M., McCracken, S. and Salterio, S.E. (2010), "The auditor's strategy selection for negotiation with management: flexibility of initial accounting position and nature of the

- relationship", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 6, pp. 579-595.
- González-Pereira, B., Guerrero-Bote, V.P. and Moya-Anegón, F. (2009), "The SJR indicator: a new indicator of journals' scientific prestige", available at: <http://arxiv.org/pdf/0912.4141v1> (accessed 6 September 2014).
- Graham, C. (2010), "Accounting and the construction of the retired person", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 1, pp. 23-46.
- Guthrie, J., Parker, L. and Gray, R. (2004), "Requirements and understandings for publishing academic research: an insider view", in Humphrey, C. and Lee, W. (Eds), *The Real Life Guide to Accounting Research: A Behind-the-scenes View of Using Qualitative Research Methods*, Elsevier, Amsterdam, pp. 411-432.
- Guthrie, J., Ricceri, F. and Dumay, J. (2012), "Reflections and projections: a decade of intellectual capital accounting research", *British Accounting Review*, Vol. 44 No. 2, pp. 68-92.
- Hall, M. (2010), "Accounting information and managerial work", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 3, pp. 301-315.
- Jones, M.J. (2010), "Sources of power and infrastructural conditions in medieval governmental accounting", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 1, pp. 81-94.
- Kachelmeier, S.J. (2006), "Education means more than teaching", *Journal of Accountancy*, Vol. 201 No. 1, p. 38.
- Kenkel, J.L. (1989), *Introductory Statistics for Management and Economics*, 3rd ed., PWS-KENT Publishing Company, Boston, MA.
- Kinney, W.R. (2003), "New accounting scholars – does it matter what we teach them?", *Issues in Accounting Education*, Vol. 18 No. 1, pp. 37-47.
- Koch, C. and Schmidt, C. (2010), "Disclosing conflicts of interest – do experience and reputation matter?", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 1, pp. 95-107.
- Kornberger, M. and Carter, C. (2010), "Manufacturing competition: how accounting practices shape strategy making in cities", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 3, pp. 325-349.
- Kornberger, M., Carter, C. and Ross-Smith, A. (2010), "Changing gender domination in a big four accounting firm: flexibility, performance and client service in practice", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 8, pp. 775-791.
- Kuasirikun, N. and Constable, P. (2010), "The cosmology of accounting in mid 19th-century Thailand", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 6, pp. 596-627.
- Lapsley, I. and Giordano, F. (2010), "Congestion charging: a tale of two cities", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 5, pp. 671-698.
- Laughlin, R. (2010), "A comment on 'Towards a paradigmatic foundation for accounting practice'", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 6, pp. 759-763.
- Levinson, A.R. (2009), "Enhancing roadmap paragraphs-legal writing tip", available at: www.law.louisville.edu/node/3742 (accessed 6 July 2011).
- Mc Watters, C.S. and Lemarchand, Y. (2010), "Accounting as story telling: merchant activities and commercial relations in eighteenth century France", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 1, pp. 14-54.
- Mäkelä, H. and Näsi, S. (2010), "Social responsibilities of MNCs in downsizing operations: a finnish forest sector case analysed from the stakeholder, social contract and legitimacy theory point of view", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 2, pp. 149-174.
- Mennicken, A. (2010), "From inspection to auditing: audit and markets as linked ecologies", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 3, pp. 334-359.
- Merino, B.D., Mayper, A.G. and Tolleson, T.D. (2010), "Neoliberalism, deregulation and Sarbanes-Oxley: the legitimization of a failed corporate governance model", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 6, pp. 774-792.
- Mikva, A.J. (1984), "Goodbye to footnotes", *University of Colorado Law Review*, Vols 1984/1985 No. 3, pp. 647-654.

- Moosa, I. (2011), "The demise of the ARC journal ranking scheme: an ex post analysis of the accounting and finance journals", *Accounting & Finance*, Vol. 51 No. 3, pp. 809-836.
- Mosteller, F., Nave, B. and Miech, E.J. (2004), "Why we need a structured abstract in education research", *Educational Researcher*, Vol. 33 No. 1, pp. 29-34.
- Mundy, J. (2010), "Creating dynamic tensions through a balanced use of management control systems", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 5, pp. 499-523.
- Norman, C.S., Rose, A.M. and Rose, J.M. (2010), "Internal audit reporting lines, fraud risk decomposition, and assessments of fraud risk", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 5, pp. 546-557.
- Nørreklit, H. (2003), "The balanced scorecard: what is the score? A rhetorical analysis of the balanced scorecard", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 28 No. 6, pp. 591-619.
- Nørreklit, H., Nørreklit, L. and Mitchell, F. (2010), "Towards a paradigmatic foundation for accounting practice", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 6, pp. 733-758.
- O'Donnell, E. and Prather-Kinsey, J. (2010), "Nationality and differences in auditor risk assessment: a research note with experimental evidence", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 5, pp. 558-564.
- Ohlson, J.A. (2011), "On successful research", *European Accounting Review*, Vol. 20 No. 1, pp. 7-26.
- Orij, R. (2010), "Corporate social disclosures in the context of national cultures and stakeholder theory", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 7, pp. 868-889.
- Parker, L.D. and Guthrie, J. (2010), "Business schools in an age of globalization", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 1, pp. 5-13.
- Peng, S. and Bewley, K. (2010), "Adaptability to fair value accounting in an emerging economy: a case study of China's IFRS convergence", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 8, pp. 982-1011.
- Primack, R.B. (2009), "Why did we reject your paper?", *Biological Conservation*, Vol. 142 No. 8, p. 1559.
- Rosenstreich, D. and Wooliscroft, B. (2009), "Measuring the impact of accounting journals using Google Scholar and the g-index", *The British Accounting Review*, Vol. 41 No. 4, pp. 227-239.
- Samkin, G. and Schneider, A. (2010), "Accountability, narrative reporting and legitimation: the case of a New Zealand public benefit entity", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 2, pp. 256-289.
- Schultz, J.J. Jr, Bierstaker, J.L. and O'Donnell, E. (2010), "Integrating business risk into auditor judgment about the risk of material misstatement: the influence of a strategic-systems-audit approach", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 2, pp. 238-251.
- Siggelkow, N. (2007), "Persuasion with case studies", *The Academy of Management Journal*, Vol. 50 No. 1, pp. 20-24.
- Stout, D.E., Rebele, J.E. and Howard, T.P. (2006), "Reasons research papers are rejected at accounting education journals", *Issues in Accounting Education*, Vol. 21 No. 2, pp. 81-98.
- Sword, H. (2007), *The Writer's Diet*, Pearson Education New Zealand, Rosedale.
- Sword, H. (2009), "Writing higher education differently: a manifesto on style", *Studies in Higher Education*, Vol. 34 No. 3, pp. 319-336.
- Tahai, A. and Meyer, M.J. (1999), "A revealed preference study of management journals' direct influences", *Strategic Management Journal*, Vol. 20 No. 3, pp. 279-296.
- Tilling, M.V. and Tilt, C.A. (2010), "The edge of legitimacy: voluntary social and environmental reporting in Rothmans' 1966-1999 annual reports", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 1, pp. 55-81.
- Toms, S. (2010), "Value, profit and risk: accounting and the resource-based view of the firm", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 23 No. 5, pp. 647-670.
- Tuttle, B. and Dillard, J. (2007), "Beyond competition: institutional isomorphism in US accounting research", *Accounting Horizons*, Vol. 21 No. 4, pp. 387-410.
- van Veen-Dirks, P. (2010), "Different uses of performance measures: the evaluation versus reward of production managers", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 2, pp. 141-164.
- Wolff, J. (2007), "Literary boredom", available at: www.guardian.co.uk/education/2007/sep/04/highereducation.news (accessed 11 July 2011).